

توسعه و تحول در ابزارهای تامین مالی اسلامی در نظام بانکی کشور

علی عزیزآبادی

دانشجوی دکتری مدیریت مالی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ali.opal.abi@gmail.com

چکیده

در نظام بانکداری اسلامی، انطباق با شریعت یکی از ارکان بنیادین توسعه محصول محسوب می‌شود. طراحی محصولات مالی اسلامی باید به گونه‌ای باشد که در عین پاسخگویی به نیازهای اقتصادی بازار، با اصول فقهی مانند ممنوعیت ربا، غرر، میسر، ظلم و اشیای غیرمجاز نیز مطابقت داشته باشد. این فرآیند مستلزم نظارت دقیق هیئت‌های شریعت و انجام حسابرسی‌های منظم شرعی است تا از یکپارچگی فقهی و اخلاقی محصولات اطمینان حاصل شود. با این حال، شباهت ساختاری برخی محصولات اسلامی به ابزارهای متعارف، انتقادات قابل توجهی در سطح نظری و اجرایی به همراه داشته است. در این مقاله، ضمن مرور دیدگاه‌های انتقادی نسبت به تقلید از ساختارهای متعارف، بر ضرورت توسعه چارچوب‌های نظارتی و نوآوری فقهی تأکید می‌شود. همچنین نقش حیاتی هیئت‌های نظارت شریعت و مدیریت بانک‌ها در همسوسازی بین الزامات شرعی و انتظارات بازار بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پایبندی مؤثر به اصول شریعت، نه تنها ضامن مشروعیت محصولات، بلکه موجب اعتماد مشتریان و تمایز راهبردی بانک‌های اسلامی در بازار رقابتی امروز است.

کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، انطباق شریعت، توسعه محصول، هیئت نظارت شریعت، ربا، غرر، میسر، حسابرسی شرعی، نوآوری فقهی.

مقدمه

نظام مالی اسلامی در چند دهه اخیر با رشد چشم‌گیری در سطح جهانی همراه بوده است. کشورهایمانند مالزی، انگلستان، عربستان سعودی و ایران نقش فعالی در توسعه بانکداری اسلامی ایفا کرده‌اند (آسنی^۱، ۲۰۱۹). در ایران، با وجود ساختار مبتنی بر بانکداری بدون ربا، ابزارهای تأمین مالی اسلامی همچنان با چالش‌هایی در زمینه نوآوری، تنوع و کارآمدی مواجه‌اند. این در حالی است که در سایر کشورها، تنوع ابزارهای مالی اسلامی موجب افزایش کارایی و رقابت‌پذیری نظام بانکی شده است (هاجر^۲، ۲۰۱۹). با توجه به فتوای دیوان شرعی فدرال پاکستان مبنی بر ناسازگاری نظام بانکداری ربوی با احکام شریعت، ضرورت بازنگری و تقویت ابزارهای تأمین مالی اسلامی در کشور بیش از پیش احساس می‌شود. با گسترش تقاضا برای خدمات مالی مطابق با شریعت، به‌ویژه در کشورهای اسلامی و حتی برخی کشورهای اروپایی، توسعه ابزارهای نوین تأمین مالی اسلامی به‌عنوان راهکاری برای افزایش شمول مالی، کاهش ریسک‌های اخلاقی و ارتقاء عدالت اقتصادی اهمیت یافته است. در ایران نیز با توجه به ساختار قانونی مبتنی بر بانکداری

¹ Asni

² Hajjar

اسلامی، بهره‌گیری از تجربیات موفق سایر کشورها می‌تواند به بازطراحی ابزارهای کارآمد، شفاف و متنوع کمک کند. در دهه‌های اخیر، نظام بانکداری اسلامی به عنوان یکی از نوظهورترین و سریع‌الرشدترین شاخه‌های صنعت مالی جهانی مطرح شده است. رشد تقاضا برای خدمات مالی منطبق با شریعت اسلامی، نارضایتی از پیامدهای نظام ربوی، و ضرورت تحقق عدالت اقتصادی در جوامع مسلمان موجب شده است تا بانکداری اسلامی از یک مدل بومی محدود به خاورمیانه، به الگویی جهانی برای نظام مالی تبدیل شود (آقیب^۱، ۲۰۲۲). در نظام بانکی کشور، علی‌رغم گذشت چهار دهه از اجرای بانکداری اسلامی، چالش‌هایی نظیر عدم تنوع ابزارهای مالی، ضعف در طراحی ساختارهای جدید تأمین مالی، و نبود چارچوب‌های نظارتی و فقهی پویا برای مواجهه با مسائل نوظهور مالی، مشهود است. این وضعیت در شرایطی شکل گرفته که بانک‌های اسلامی در سایر کشورها با خلق ابزارهای جدید مانند صکوک، اجاره-بازخريد، مراحه ساختاریافته، مشارکت‌های خاص، و قراردادهای ترکیبی توانسته‌اند به نیازهای متنوع مالی مشتریان پاسخ دهند. از سوی دیگر، در سطح داخلی نیز انتقادات فزاینده‌ای نسبت به عملکرد بانکداری اسلامی مطرح شده است؛ به‌ویژه آنکه بسیاری از کارشناسان معتقدند بخش قابل توجهی از عملیات بانکی صرفاً تغییر شکلی از قراردادهای ربوی سنتی بوده و به لحاظ ماهوی از نظر شریعت اسلامی قابل دفاع نیست. نمونه‌ای از چنین بازنگری‌ها را می‌توان در حکم اخیر دیوان شرعی فدرال پاکستان مشاهده کرد که کل نظام بانکداری ربوی را خلاف اصول اسلام دانسته و خواستار جایگزینی آن با بانکداری اسلامی واقعی شده است (باتی^۲، ۲۰۲۲). توسعه ابزارهای تأمین مالی اسلامی یکی از ارکان کلیدی رشد پایدار در نظام بانکی اسلامی محسوب می‌شود. این ابزارها نه تنها به بانک‌های اسلامی امکان می‌دهند تا در چارچوب اصول شریعت به فعالیت بپردازند، بلکه نقش مهمی در پاسخگویی به نیازهای متنوع مالی مشتریان ایفا می‌کنند. پایبندی به شریعت، صرفاً یک الزام مذهبی نیست، بلکه اساس مدل کسب‌وکار بانکداری اسلامی را نیز شکل می‌دهد. طراحی محصولات منطبق با شریعت، زمینه‌ای برای جلب اعتماد جامعه مسلمان، افزایش نفوذ بازار و تمایز اخلاقی از نظام بانکداری متعارف فراهم می‌سازد. با گسترش بانکداری اسلامی در سطح جهانی، رقابت در این بازار مستلزم توسعه مداوم محصولات نوآورانه، متنوع و همسو با استانداردهای شرعی و تجاری است. بانک‌های اسلامی با ارائه سبدهای جامع از خدمات و ابزارهای تأمین مالی، می‌توانند نقش مؤثری در ارتقای شمول مالی، حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و توزیع عادلانه منابع ایفا کنند (فایز^۳، ۲۰۲۴).

تحول موفق در ابزارهای مالی اسلامی نیازمند تعامل فعال با مشتریان، درک عمیق نیازهای آنان و تبیین مزایای اقتصادی و اخلاقی محصولات است. بانک‌ها باید با ارتباط‌گیری مؤثر، بر مشروعیت شرعی محصولات خود تأکید کنند و همزمان با سازوکارهای نوین بازار نیز تطابق یابند. همچنین پرورش روابط بلندمدت و مبتنی بر اعتماد با مشتریان از عوامل کلیدی در موفقیت محصولات جدید محسوب می‌شود. از جمله چالش‌های مستمر در فرآیند توسعه، نقش علمای شریعت در طراحی ابزارهاست. برخی دیدگاه‌ها خواهان حضور مستقیم و فعال آنان در فرآیند خلق محصول هستند تا مشروعیت و هماهنگی کامل با شریعت تضمین شود. در کنار این، انتقاداتی نیز به موضوع قیمت‌گذاری ابزارهای اسلامی وارد شده است. پیشنهاد می‌شود که به‌جای استفاده از نرخ بهره متعارف معیارهای جایگزین مبتنی بر اقتصاد واقعی و غیرربوی تعریف گردد تا تمایز جدی ابزارهای اسلامی با ابزارهای متعارف حفظ شود. در همین راستا، برخی کارشناسان نسبت به دور شدن ابزارهای اسلامی از فعالیت‌های اقتصادی مولد ابراز نگرانی کرده‌اند. هرچند در ظاهر بسیاری از ابزارهای مالی اسلامی با اصول اقتصاد واقعی در ارتباط‌اند، اما استفاده بیش از حد از ساختارهای پیچیده و اصطلاحاً "منطبق با شریعت" موجب فاصله گرفتن تدریجی آن‌ها از مأموریت اصلی بانکداری اسلامی شده است. بنابراین، حرکت

¹ Aqib
² Bhatti
³ Faizi

به سوی طراحی ابزارهایی با ارتباط مستقیم و ملموس با فعالیت‌های اقتصادی واقعی، ضرورتی اساسی تلقی می‌شود (لانه^۱، ۲۰۲۰). تجربه اندونزی نشان می‌دهد که توسعه ابزارهای شریعت‌محور در کشورهای نوظهور اسلامی با موانع خاصی از جمله محدودیت در نوآوری ساختاری، پیچیدگی در رعایت مقررات شرعی، و کمبود نیروی انسانی متخصص مواجه است. با این وجود، مشارکت فعال هیئت‌های نظارت شرعی در کنار مدیریت بانک، عاملی تعیین‌کننده در موفقیت طراحی محصولات منطبق با شریعت تلقی می‌شود. این مشارکت نه تنها رعایت استانداردهای شرعی را تضمین می‌کند، بلکه موجب شکل‌گیری اعتماد اجتماعی و تقویت جایگاه بانک در بازار می‌شود (زینی و بن شعیب^۲، ۲۰۲۱). علاوه بر مسلمانان، گروهی از مشتریان غیرمسلمان نیز به دلایل اخلاقی و پایداری، جذب محصولات مالی اسلامی شده‌اند. در این میان، تأکید بر اصول عدالت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بانکداری اسلامی را در سطح جهانی به الگویی جذاب تبدیل کرده است. در نتیجه، توسعه ابزارهای تأمین مالی اسلامی در چارچوب یک نگاه راهبردی مبتنی بر شریعت، اخلاق، و کارآمدی اقتصادی، می‌تواند مسیر حرکت نظام بانکی کشور را به سمت یک الگوی رقابتی، اخلاقی و بومی شده سوق دهد (زینی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹).

کشورهایی چون مالزی، عربستان سعودی، بریتانیا، آلمان و حتی لوکزامبورگ توانسته‌اند ساختارهای قانونی، ابزارهای مالی و زیرساخت‌های نهادی لازم برای گسترش بانکداری اسلامی را به گونه‌ای فراهم کنند که هم با موازین شرعی سازگار باشد و هم از نظر مالی رقابت‌پذیر. در ایران، با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (۱۳۶۲)، بستر قانونی برای حذف بهره و جایگزینی عقود اسلامی فراهم شد. با این حال، علی‌رغم سابقه طولانی‌تر نسبت به برخی کشورها، ابزارهای تأمین مالی اسلامی در کشور عمدتاً محدود به عقود مرسوم مانند مضاربه، مشارکت، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک باقی مانده‌اند و توسعه کمی و کیفی چشمگیری در این حوزه مشاهده نمی‌شود (اکبری و همکاران، ۱۴۰۴). بانکداری اسلامی تنها یک جایگزین شرعی برای بانکداری متعارف نیست، بلکه ابزاری برای تحقق عدالت اقتصادی، کاهش نابرابری و توزیع بهینه منابع در چارچوب آموزه‌های اسلامی نیز به شمار می‌آید. گسترش ابزارهای تأمین مالی اسلامی نه تنها می‌تواند به ارتقاء کارایی سیستم بانکی کمک کند، بلکه در مواجهه با بحران‌هایی مانند رکود، فساد مالی، و شکاف‌های اعتباری نیز نقش ایفا می‌کند. در کشورهای موفق در حوزه بانکداری اسلامی مانند مالزی، ایجاد نهادهای پژوهشی، همگرایی بین علما و کارشناسان مالی، و طراحی ابزارهای نوآورانه موجب توسعه نظام مالی اسلامی شده است. در این راستا، ایران نیز با تکیه بر زیرساخت‌های قانونی موجود و تجربه چهار دهه فعالیت در نظام بانکی بدون ربا، می‌تواند با بازطراحی ابزارهای تأمین مالی خود، از رکود جاری خارج شده و به سمت یک الگوی پویا و پاسخگو حرکت کند. این مقاله با هدف بررسی روند تحول ابزارهای تأمین مالی اسلامی در نظام بانکی ایران تدوین شده و اهداف اصلی آن به شرح زیر است:

✓ تحلیل تطبیقی روند توسعه بانکداری اسلامی در ایران و سایر کشورها

✓ شناسایی چالش‌ها و نارسایی‌های موجود در ابزارهای تأمین مالی اسلامی در ایران

✓ ارائه پیشنهاداتی برای توسعه و تنوع‌بخشی به این ابزارها با استفاده از تجارب موفق بین‌المللی

پژوهش حاضر از نوع کاربردی - تحلیلی است که به روش توصیفی-مقایسه‌ای انجام شده است. داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و مطالعه منابع ثانویه شامل مقالات علمی، گزارش‌های تحلیلی بین‌المللی، و بررسی موردی کشورها گردآوری شده است. مطالعه حاضر از داده‌های کیفی جهت تحلیل محتوای تطبیقی بهره برده و با تمرکز بر کشورهای نظیر مالزی، عربستان سعودی، بریتانیا، آلمان و پاکستان، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و عوامل موفقیت در توسعه

¹ Lane

² Zaini & Bin Shuib

³ Zaini

ابزارهای تأمین مالی اسلامی را بررسی کرده است. هدف نهایی، ارائه چارچوبی بومی برای تحول ابزارهای تأمین مالی اسلامی در ایران با تکیه بر اصول فقهی، مقتضیات اقتصادی داخلی، و تجارب موفق جهانی است.

مبانی نظری تأمین مالی اسلامی

تأمین مالی اسلامی یکی از ارکان بنیادین نظام اقتصادی اسلامی است که مبتنی بر اصول شریعت و تعالیم قرآنی طراحی شده است. برخلاف نظام‌های مالی متعارف که بر پایه بهره و ابزارهای بدهی محور عمل می‌کنند، تأمین مالی اسلامی بر مشارکت واقعی در سود و زیان، ایجاد دارایی‌های واقعی و حذف ربا تأکید دارد. توسعه ابزارهای تأمین مالی اسلامی به‌ویژه در دهه‌های اخیر، نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در اقتصادهای پیشرفته مانند لوکزامبورگ نیز مورد توجه قرار گرفته و به عنوان گزینه‌ای مشروع، اخلاقی و کارآمد برای گسترش شمول مالی مطرح شده است (مائوسن^۱ و همکاران، ۲۰۱۹).

تعریف تأمین مالی اسلامی

تأمین مالی اسلامی عبارت است از فرآیند تأمین منابع مالی برای فعالیت‌های اقتصادی، تجاری یا سرمایه‌گذاری، در چارچوب اصول شریعت اسلام. این نوع تأمین مالی مبتنی بر منع ربا (بهره)، غرر (ابهام و قمارگونه بودن قراردادها) و فعالیت‌های حرام است، و به‌جای آن از مکانیسم‌هایی مانند مشارکت در سود و زیان (مشارکه، مضاربه)، معاملات واقعی (مرابحه، سلم، استصناع) و اجاره استفاده می‌شود. بر اساس تجربه اندونزی، یکی از بزرگ‌ترین کشورهای اسلامی، توسعه بانکداری و تأمین مالی اسلامی به عنوان ابزاری برای افزایش شمول مالی، توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و مقابله با بحران‌های مالی اخلاقی شناخته شده است. با این حال، این کشور نیز چالش‌هایی مانند عدم آشنایی عمومی، ضعف قانون‌گذاری و کمبود محصولات مالی متنوع را تجربه کرده است که بر اهمیت مبانی نظری و طراحی ساختارهای صحیح تأکید می‌کند (مالیا^۲، ۲۰۱۹).

دیدگاه درباره تأمین مالی

تأمین مالی به‌عنوان یکی از ارکان حیاتی در تصمیم‌گیری‌های مالی شرکت‌ها نقش برجسته‌ای در تضمین بقاء و رشد آن‌ها در فضای پیچیده و رقابتی کسب‌وکار ایفا می‌کند. در این چارچوب، شرکت‌ها با هدف تحقق بازدهی مطلوب، اقدام به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور می‌نمایند. انتخاب نوع و منبع تأمین مالی، اعم از داخلی یا خارجی، در شکل‌گیری ساختار سرمایه شرکت نقش تعیین‌کننده دارد. توانمندی سازمان در شناسایی و استفاده مؤثر از منابع مالی بالقوه، همراه با تدوین برنامه‌های جامع مالی، از عوامل کلیدی در جهت‌گیری توسعه‌ای آن به‌شمار می‌رود. در دهه‌های اخیر، روند جهانی آزادسازی اقتصادی موجب شد دولت‌ها نقش کمرنگ‌تری در تخصیص منابع ایفا کنند و بخش خصوصی به‌عنوان موتور رشد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. این روند با هدف ایجاد چارچوب‌های نظارتی شفاف، بهبود زیرساخت‌ها، کاهش کسری بودجه و بازسازی ساختار بنگاه‌ها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه پیگیری شد، به‌ویژه آنکه بحران بدهی دهه ۱۹۸۰ منجر به کاهش شدید دسترسی این کشورها به منابع مالی استقراضی گردید. در همین راستا، توجه به مکانیسم‌های نظارتی کارآمد و شفاف در حوزه تأمین مالی اسلامی نیز اهمیت یافته است. در نظام بانکداری اسلامی، استفاده از نهادهای نظارتی بیرونی نظیر کمیته‌های بازبینی شرعی می‌تواند در ارتقای شفافیت، پاسخ‌گویی و کیفیت

¹ Mausen

² Maulia

انطباق شرعی مؤثر واقع شود (عبدی و مبینی دهکردی، ۱۳۹۸). بانکداری و مالی اسلامی از لحاظ نظری، بر پایه‌های اقتصاد اخلاقی اسلامی استوار است؛ چارچوبی ارزشی که عدالت، برابری، کرامت انسانی، آزادی اقتصادی و اعتدال را در مرکز توجه قرار می‌دهد. این نظام به دنبال بهره‌برداری از منابع اقتصادی برای تأمین نیازهای مادی، معنوی و اجتماعی همه اعضای جامعه است و بر توزیع عادلانه ثروت، خدمت به محرومان و اخلاق ذاتی در معاملات مالی تأکید دارد. بانکداری و مالی اسلامی در نظریه، یکی از شاخه‌های عملیاتی اقتصاد اسلامی است که بر بنیان‌های اقتصاد اخلاقی اسلامی استوار است. از این منظر، مالی اسلامی صرفاً یک ابزار جایگزین برای تأمین مالی نیست، بلکه الگوی جامع‌تری است که در پی تحقق توسعه انسانی، کاهش نابرابری و تقویت سرمایه اجتماعی در امت اسلامی است (آودیک^۱ و همکاران، ۲۰۲۵).

اصول و مبانی فقهی تأمین مالی بدون ربا

تأمین مالی اسلامی بر پایه اصول و قواعد فقهی استوار است که از منابع اصلی فقه اسلامی یعنی قرآن، سنت، اجماع و قیاس استخراج شده‌اند. مهم‌ترین اصول بنیادین آن عبارتند از:

تحریم ربا: اصل بنیادین نظام مالی اسلامی، ممنوعیت بهره است که در آیات متعددی از قرآن (از جمله بقره: ۲۷۵-۲۷۹) تصریح شده است.

تحقق مالکیت واقعی و ریسک‌پذیری: در تأمین مالی اسلامی، سرمایه‌گذار باید در ریسک پروژه شریک باشد و بدون پذیرش ریسک، سود شرعی قابل توجیه نیست.

ممنوعیت غرر و قمار: قراردادهایی که دارای ابهام شدید، شرط‌بندی یا مخاطره غیرموجه هستند، از نظر شریعت باطل محسوب می‌شوند.

پشتوانه داری واقعی معاملات: ابزارهای مالی باید بر مبنای دارایی‌های واقعی و فیزیکی طراحی شوند، نه صرفاً اسناد بدهی بدون پشتوانه.

تأکید بر عدالت و مسئولیت اجتماعی: نظام تأمین مالی اسلامی بر عدالت توزیعی، رفع تبعیض و حمایت از فعالیت‌های مولد تأکید دارد.

این اصول در طراحی ابزارهای مالی مانند صکوک اجاره، مرابحه سرمایه‌ای، مضاربه مشارکتی و استصناع به کار می‌روند و در کشورهای موفق، با تفسیر نوآورانه و فقه‌پژوهانه تقویت شده‌اند (فرجی و فراهانی، ۱۳۹۰).

مقایسه تأمین مالی اسلامی با نظام مالی متعارف

جدول (۱) مهم‌ترین تفاوت‌های بنیادین میان تأمین مالی اسلامی و نظام مالی متعارف را نشان می‌دهد:

جدول (۱): تفاوت‌های بنیادین میان تأمین مالی اسلامی و نظام مالی متعارف

نظام مالی متعارف	تأمین مالی اسلامی	مؤلفه
سرمایه‌داری، بهره‌وری سرمایه	شریعت اسلامی، عدالت اقتصادی	مبنای نظری
نرخ بهره ثابت یا متغیر	سود بر پایه مشارکت واقعی و مشروعیت فقهی	نرخ سود
مبتنی بر بدهی و تعهدات مالی	مبتنی بر دارایی واقعی (مرابحه، اجاره، مشارکه)	قراردادها
انتقال ریسک به گیرنده وام	تقسیم ریسک بین طرفین قرارداد	ریسک
حداکثرسازی سود سهام‌داران	تأمین مالی فعالیت‌های واقعی و مشروع	هدف

¹ Avdukic

بدون ملاحظات فقهی/شرعی	نظارت هیئت شرعی الزامی است	نظارت شرعی
------------------------	----------------------------	------------

مروری بر ابزارهای تأمین مالی اسلامی

ابزارهای تأمین مالی اسلامی به منظور پاسخ به نیازهای اقتصادی، در عین رعایت اصول شریعت، طی دهه‌های اخیر به طور گسترده‌ای توسعه یافته‌اند. این ابزارها عمدتاً در قالب صکوک، عقود اسلامی و اوراق مالی نوین طبقه‌بندی می‌شوند.

صکوک (انواع و کاربردها)

صکوک، به‌عنوان جایگزین شرعی اوراق قرضه، مهم‌ترین ابزار بازار سرمایه اسلامی برای تأمین مالی محسوب می‌شود. انواع صکوک شامل صکوک اجاره، مرابحه، استصناع، مضاربه، مشارکت، منفعت و جعاله هستند. این اوراق از پشتوانه واقعی دارایی برخوردارند و به همین دلیل از نظر فقهی قابل قبول شناخته می‌شوند. صکوک همچنین در توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، پروژه‌های عمرانی و تأمین مالی شرکت‌ها نقشی مؤثر ایفا کرده‌اند (منصور،^۱ ۲۰۲۰).

عقود اسلامی (مشارکت، مضاربه، مرابحه، اجاره، استصناع و ...)

عقود اسلامی، ستون فقرات تأمین مالی در نظام بانکی بدون ربا هستند. هر یک از این عقود ویژگی خاصی دارند؛ مشارکت بر اساس سهم‌بری از سود، مضاربه بر پایه قرارداد میان مالک سرمایه و عامل، مرابحه به‌عنوان فروش اقساطی با قیمت مشخص، و اجاره و استصناع برای تأمین مالی دارایی‌های مولد و پروژه‌های ساخت. انعطاف‌پذیری این عقود در شرایط مختلف اقتصادی، فرصت خوبی برای توسعه محصولات مالی فراهم کرده است (علمی،^۲ ۲۰۲۳).

ابزارهای جدید مانند اوراق منفعت و اوراق جعاله

تحولات اخیر منجر به طراحی ابزارهای نوینی مانند اوراق منفعت (انتقال منافع حاصل از دارایی‌ها بدون انتقال اصل دارایی) و اوراق جعاله (ابزاری مبتنی بر انجام خدمت با وعده پاداش) شده است. این ابزارها پاسخگوی نیازهای جدید بازار بوده و در ایران نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند، هرچند همچنان با چالش‌هایی در تطبیق فقهی و زیرساخت‌های اجرایی مواجه‌اند (زینی و شعیب،^۳ ۲۰۲۱).

بررسی تطبیقی ابزارهای تأمین مالی اسلامی در ایران و سایر کشورها

نظام‌های مالی اسلامی در کشورهای مختلف از نظر چارچوب فقهی، سیاست‌گذاری، ساختار نظارتی و سطح نوآوری متفاوت‌اند. بررسی تطبیقی عملکرد ایران با سایر کشورها مانند مالزی، اندونزی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند در شناسایی نقاط ضعف و بهبود نظام تأمین مالی اسلامی کشور مؤثر باشد.

ساختار حقوقی و نهادهای ناظر

در کشورهای موفق نظیر مالزی و اندونزی، نهادهای ناظر مانند شورای مشورتی شریعت بانک مرکزی و کمیته‌های مستقل شرعی بانک‌ها نقش کلیدی در تسریع فرآیند تأیید محصولات ایفا می‌کنند. در ایران نیز شورای فقهی بانک مرکزی گام مهمی در این مسیر بوده، اما هنوز استقلال، گستره کارشناسی و پاسخگویی آن به سطح استانداردهای بین‌المللی نرسیده است (خلید،^۴ ۲۰۲۰).

تنوع ابزارها و توسعه نوآورانه

¹ Mansour

² Ilmi

³ Zaini & Shuib

⁴ Khalid

کشورهایی مانند اندونزی و مالزی تنوع وسیعی از صکوک و عقود را توسعه داده‌اند، به‌ویژه از طریق طراحی ترکیبی ابزارها و تسهیل مقررات نوآوری در مقابل، ایران گرایش بیشتری به استفاده از ابزارهای محدود مانند صکوک مرابحه و اجاره دارد و کمتر از ابزارهای ترکیبی یا ساختارهای چندلایه بهره می‌برد. دلیل این تفاوت، محدودیت در اجتهاد کاربردی، ضعف زیرساخت حقوقی و کمبود نیروی انسانی متخصص در طراحی محصولات مالی اسلامی عنوان شده است (شهید^۱ و همکاران، ۲۰۲۰).

شفافیت، گزارش‌دهی و اعتماد عمومی

بانک‌های اسلامی در کشورهای دیگر اغلب از چارچوب‌های شفاف حسابرسی شرعی و گزارش‌های عمومی برخوردارند. در ایران، اگرچه اصول کلی شفافیت لحاظ شده، اما هنوز بسیاری از فرآیندهای تطبیق شرعی، داوری و افشای اطلاعات برای عموم شفاف نیست. این مسئله باعث کاهش اعتماد عمومی به ابزارهای اسلامی و نزدیکی بیش از حد آن‌ها به ابزارهای مرسوم شده است (جان^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). ایران در طراحی و استفاده از ابزارهای مالی اسلامی، پیشرفت‌هایی داشته اما هنوز فاصله قابل توجهی با کشورهای پیشرو در این حوزه وجود دارد. توسعه نهادهای نظارتی مستقل، ارتقاء چارچوب اجتهاد فقهی کاربردی، تقویت نوآوری و استانداردسازی گزارش‌دهی شرعی، از الزامات ارتقای جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی بانکداری و تأمین مالی اسلامی است. الگوگیری از کشورهای چوون مالزی و اندونزی، با در نظر گرفتن تفاوت‌های بومی، می‌تواند راهگشای اصلاحات ساختاری باشد.

تحلیل ابزارهای موجود تأمین مالی اسلامی در نظام بانکی ایران و مقایسه تطبیقی با کشورهای موفق

ابزارهای رایج تأمین مالی اسلامی در نظام بانکی ایران

بانکداری بدون ربا در ایران از سال ۱۳۶۳ به صورت رسمی و قانونی آغاز شد. قانون عملیات بانکی بدون ربا، به‌عنوان نخستین سند حقوقی در این زمینه، بانک‌ها را مکلف کرد تا به جای استفاده از نرخ بهره، از عقود اسلامی برای تجهیز و تخصیص منابع استفاده کنند. مهم‌ترین ابزارهای تأمین مالی اسلامی مورد استفاده در نظام بانکی ایران عبارتند از:

عقد مشارکت مدنی: شراکت بین بانک و مشتری در یک طرح مشخص به منظور انتفاع از سود.

عقد مضاربه: تأمین سرمایه از سوی بانک و فعالیت اقتصادی از سوی مشتری (عامل).

فروش اقساطی: فروش کالا به مشتری با قیمت مشخص و پرداخت اقساطی در مدت معین.

اجاره به شرط تملیک: اجاره‌دادن دارایی با شرط انتقال مالکیت در پایان قرارداد.

مرابحه: فروش کالا با افشای قیمت خرید و دریافت سود مشخص.

سلم و استصناع: قراردادهای پیش‌خرید یا ساخت که در برخی حوزه‌ها مانند کشاورزی و صنعت کاربرد دارند.

با وجود تنوع ظاهری، در عمل سهم بالایی از تسهیلات بانکی در ایران به مرابحه و فروش اقساطی اختصاص دارد، که غالباً جایگزینی صوری برای وام بهره‌ای تلقی می‌شود. همچنین در بسیاری از موارد، مشارکت واقعی شکل نمی‌گیرد و بانک‌ها با استفاده از وثایق سنگین و سازوکارهای شبه‌ربوی، ریسک را کاملاً به مشتری منتقل می‌کنند؛ برخلاف اصول اساسی فقه اسلامی در تقسیم ریسک (کههریزی و همکاران، ۱۴۰۲).

مقایسه تطبیقی با کشورهای موفق

¹ Shahid

² Jan

برای تحلیل تطبیقی، کشورهای مالزی، لوکزامبورگ، عربستان سعودی و اندونزی به عنوان نمونه‌های موفق مورد بررسی قرار می‌گیرند:

الف) مالزی

مالزی یکی از پیشروترین کشورها در توسعه ابزارهای مالی اسلامی است. ساختار منسجم نظارتی (تحت نظارت بانک مرکزی مالزی)، نهادهای فقهی مستقل، و تنوع ابزارها باعث شده‌اند که تأمین مالی اسلامی در این کشور با مکانیزم‌های پیچیده‌تر و نزدیک‌تر به مقاصد شریعت انجام شود. ابزارهایی نظیر صکوک اجاره، مشارکه ترکیبی، مراحه بین‌المللی، قراردادهای مشتقه اسلامی و محصولات سفارشی برای صنایع خاص، نشان‌دهنده پویایی بالای این سیستم هستند (آسنی، ۲۰۱۹).

ب) لوکزامبورگ

در لوکزامبورگ به عنوان یکی از مراکز مالی بین‌المللی اروپا، ابزارهای مالی اسلامی با تطبیق حقوقی دقیق با قوانین مالیاتی، شرکتی و بانکی، توسعه یافته‌اند. به‌ویژه در حوزه انتشار صکوک، این کشور پیشگام بوده و توانسته است زیرساخت‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاران اسلامی را فراهم کند (موآسن و همکاران، ۲۰۱۹).

ج) اندونزی

در اندونزی با وجود چالش‌هایی نظیر آگاهی پایین و ضعف نهادسازی، تلاش‌هایی برای تنوع‌بخشی به محصولات بانکی اسلامی از طریق طراحی ابزارهایی چون تأمین مالی خرد اسلامی، صندوق‌های زکات/وقف، صکوک دولتی و کارت‌های اعتباری اسلامی صورت گرفته است. این کشور با ایجاد آژانس‌های مستقل برای توسعه بانکداری اسلامی، توانسته است گام‌هایی در مسیر اصلاحات بردارد (مائولا، ۲۰۱۹).

د) عربستان سعودی

عربستان به عنوان میزبان نهادهای مالی بزرگ اسلامی، از سیستم‌های مبتنی بر مشارکت واقعی در پروژه‌های کلان زیرساختی بهره می‌برد. مشارکت‌های بلندمدت در بخش انرژی، معدن، توسعه شهری و حمل‌ونقل بر پایه عقود اسلامی از مزیت‌های این کشور است. بانک‌ها در این کشور از مدل‌های مدیریت ریسک پیشرفته و ابزارهای مشتقه اسلامی برای کنترل عدم تقارن اطلاعاتی استفاده می‌کنند (کالشرشتا و علی، ۲۰۱۹).

جدول (۲): نقاط قوت و ضعف ایران در مقایسه با سایر کشورها

عربستان	اندونزی	لوکزامبورگ	مالزی	ایران	شاخص
بالا	در حال توسعه	بالا	بسیار بالا	متوسط	تنوع ابزارهای تأمین مالی
بالا	ضعیف	متوسط	متوسط تا بالا	ضعیف	مشارکت واقعی بانک‌ها
منسجم	متنوع	تطبیق حقوقی دقیق	یکپارچه و نظام‌مند	غیرمتمرکز و ناکارآمد	ساختار نظارت شرعی
کاربردی	نوآورانه	هدفمند	گسترده	محدود	نوآوری در ابزارها
بسیار بالا	در حال رشد	پیشرو اروپایی	پیشرو جهانی	پایین	جایگاه در بازار سرمایه اسلامی

نظام بانکی ایران با وجود پیش‌زمینه فقهی و قانونی برای اجرای بانکداری اسلامی، در زمینه نوآوری، طراحی ابزارهای واقعی، مشارکت در سود و زیان، و پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی متنوع جامعه عملکرد محدودی داشته است. در حالی که کشورهای دیگر با اصلاحات نهادی، شفاف‌سازی قراردادهای، استفاده از تکنولوژی‌های مالی و تفسیر به‌روز از فقه، توانسته‌اند مدل‌های موفق‌تری را پیاده‌سازی کنند.

¹ Kulshrestha & Ali

تحلیل روند تحولات ابزارهای تأمین مالی اسلامی در نظام بانکی ایران

در سال‌های اخیر، توسعه ابزارهای تأمین مالی اسلامی در نظام بانکی ایران تحت تأثیر سیاست‌های کلان پولی، ضرورت‌های فقهی و اقتضات اقتصادی، مسیر تحول قابل توجهی را طی کرده است. این تحولات عمدتاً در سه سطح مقرراتی، نهادی و اجرایی قابل تحلیل‌اند.

سیاست‌ها و مقررات ناظر بر توسعه ابزارها

نظام بانکی ایران در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا و در سایه مصوبات شورای فقهی بانک مرکزی، همواره کوشیده است ابزارهایی منطبق با شریعت طراحی کند. با این حال، برخی از مقررات، انعطاف‌پذیری لازم برای پذیرش نوآوری را ندارند و این مسئله روند توسعه را کند کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری فعلی بیشتر از جنبه تقنینی به موضوع نگرسته و بُعد عملیاتی و بازارمحور در آن مغفول مانده است (منصور^۱، ۲۰۲۰).

نقش بانک مرکزی و شورای فقهی

بانک مرکزی طی دهه اخیر تلاش کرده با تشکیل شورای فقهی و تدوین دستورالعمل‌های خاص برای ابزارهایی همچون اوراق مرابحه، اوراق اجاره و اوراق منفعت، بستر قانونی و شرعی لازم را فراهم سازد. با این وجود، فاصله میان نظریه‌های فقهی و نیازهای واقعی بازار مالی، چالشی جدی در کارآمدی ابزارهای معرفی‌شده ایجاد کرده است. شورای فقهی اگرچه جایگاه نهادینه‌ای یافته، اما از منظر ساختاری و ظرفیت کارشناسی هنوز نیازمند ارتقاء است (عبدی و مبینی دهکردی، ۱۳۹۸).

دستاوردها و چالش‌های اجرای ابزارهای نوین

ابزارهای نوینی همچون صکوک اجاره، مرابحه و استصناع، در برخی موارد توانسته‌اند نیازهای تأمین مالی دولت و شرکت‌ها را پوشش دهند. با این حال، حجم این ابزارها نسبت به نیاز واقعی اقتصاد بسیار محدود باقی مانده است. نبود بازار ثانویه فعال، کمبود نیروی متخصص در طراحی محصولات و ضعف در بازاریابی مالی اسلامی، از مهم‌ترین چالش‌های اجرای موفق این ابزارها در نظام بانکی است (یونا^۲، ۲۰۱۹).

نقش بازار سرمایه در توسعه ابزارهای تأمین مالی اسلامی، نقش بازار سرمایه در توسعه ابزارهای تأمین مالی اسلامی، به‌ویژه از طریق انتشار انواع صکوک، در سال‌های اخیر افزایش یافته است. این روند، به‌ویژه در تعامل با نظام بانکی، می‌تواند محرک مهمی برای گسترش تأمین مالی مبتنی بر شریعت در کشور باشد.

همکاری نظام بانکی با بازار سرمایه

نظام بانکی به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد مالی کشور، در صورتی که در کنار بازار سرمایه به‌صورت مکمل عمل کند، می‌تواند نقشی کلیدی در تعمیق بازارهای اسلامی ایفا نماید. برخی بانک‌ها با ایجاد نهادهای واسط و استفاده از بستر بازار سرمایه برای تأمین مالی پروژه‌ها، گام‌هایی مؤثر برداشته‌اند. با این حال، این همکاری هنوز ساختارمند نشده و نیازمند نهادسازی بیشتر است.

¹ Mansour

² Yumna

انتشار صکوک و مشارکت بانکها

صکوک به عنوان ابزار برجسته بازار سرمایه اسلامی، بستری مناسب برای تأمین مالی دولتی و شرکتی فراهم آورده است. بانکها معمولاً به عنوان ضامن، بازارگردان یا پذیره‌نویس در فرآیند انتشار صکوک مشارکت دارند. موفقیت در این زمینه مستلزم شفافیت قراردادهای، استانداردهای فرآیندها و ارتقاء اعتبارسنجی اسلامی است (زینی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹).

فرصت‌ها و تهدیدها

فرصت‌های مهم شامل جذب سرمایه‌های سرگردان، تنوع‌بخشی به ابزارهای مالی، و ارتقاء شفافیت و پاسخ‌گویی در تأمین مالی است. در مقابل، تهدیدهایی مانند ضعف زیرساخت‌های حقوقی، ناهماهنگی نهادی، و نبود چارچوب استاندارد بین‌المللی برای تطبیق با بازارهای جهانی وجود دارد. نبود بازار ثانویه مؤثر نیز از دیگر چالش‌هایی است که مانع افزایش نقدشوندگی صکوک شده است. تحول در ابزارهای تأمین مالی اسلامی در ایران نیازمند هم‌افزایی میان بانک مرکزی، بازار سرمایه، و نهادهای فقهی و حقوقی است. تا زمانی که مقررات انعطاف‌پذیر، نهادهای هماهنگ، و نگاه بازارمحور در طراحی ابزارها تقویت نشود، رشد این حوزه با موانع ساختاری مواجه خواهد بود. به‌ویژه در شرایط فعلی، تقویت همکاری بانکها با بازار سرمایه و تسهیل انتشار صکوک می‌تواند نقش مهمی در تأمین مالی اسلامی و کاهش وابستگی به منابع ربوی ایفا کند (ذوالفقار^۲، ۲۰۲۰).

چالش‌ها و راهکارهای توسعه ابزارهای مالی اسلامی در نظام بانکی ایران

نظام بانکی ایران که مبتنی بر اصول بانکداری بدون ربا است، طی سال‌های اخیر تلاش کرده است با توسعه ابزارهای مالی اسلامی، زمینه تأمین مالی مشروع و کارآمد را فراهم سازد. با این حال، روند توسعه این ابزارها با چالش‌های قابل توجهی در سه بُعد حقوقی-فقهی، ساختاری-اجرایی و فرهنگی-آموزشی مواجه بوده است. تحلیل این موانع و ارائه راهکارهای عملی، می‌تواند در مسیر توسعه پایدار این ابزارها نقش اساسی ایفا کند (اسماعیل زاده و امیری، ۱۳۹۴).

چالش‌های توسعه ابزارهای مالی اسلامی

چالش‌های حقوقی و فقهی:

یکی از موانع بنیادین، نبود وحدت‌رویه در تفسیر اصول فقهی و کاربرد آن‌ها در طراحی ابزارهای مالی نوین است. به دلیل تفاوت دیدگاه‌های فقهی مذاهب مختلف، برخی ابزارها از مشروعیت عام برخوردار نیستند و این مسئله سبب تردید در استفاده بانکها از آن‌ها شده است. افزون بر این، خلأهای قانونی و نبود قوانین شفاف در حوزه ابزارهای اسلامی، بانکها را در تطبیق عملیات خود با مقررات دچار سردرگمی کرده است. نبود تمایز روشن بین ابزارهای شرعی شده و ابزارهای اصیل مبتنی بر فقه اسلامی، یکی از عوامل تعارض در توسعه پایدار محصولات مالی اسلامی است (کالدر^۳، ۲۰۲۰).

مشکلات ساختاری و اجرایی:

چالش دیگر، ضعف در زیرساخت‌های اجرایی است. در بسیاری از موارد، نظام‌های فناوری اطلاعات، سیستم‌های ارزیابی ریسک و چارچوب‌های عملیاتی بانکها، قابلیت اجرای دقیق و شفاف ابزارهای اسلامی را ندارند. علاوه بر آن، نظارت شرعی منسجم در سطح ملی وجود ندارد و ساختار نظارتی اغلب بانکها از نظر کیفیت رعایت موازین شریعت، با یکدیگر

¹ Zaini

² Zulfika

³ Calder

متفاوت اند. این مسئله نه تنها اعتماد عمومی را تضعیف می کند، بلکه سبب می شود کارکرد واقعی ابزارهای اسلامی در عمل محقق نشود (آلام^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

ضعف فرهنگ سازی و آموزش:

در سطح عمومی جامعه و حتی میان مدیران و کارکنان بانکی، درک عمیق و دقیقی از منطق فقهی و اقتصادی ابزارهای اسلامی وجود ندارد. بسیاری از کاربران بانکی تفاوت میان تسهیلات اسلامی و تسهیلات ربوی را صرفاً در ظاهر قراردادها می بینند. در حوزه دانشگاهی نیز خلأ آموزش های بین رشته ای در زمینه فقه المال، اقتصاد اسلامی و مدیریت مالی محسوس است که مانع تربیت نیروی انسانی متخصص برای نوآوری در این حوزه می شود (بندور^۲، ۲۰۱۹).

چالش های توسعه ابزارهای تأمین مالی اسلامی در ایران

با وجود سابقه چهار دهه ای بانکداری بدون ربا در ایران، توسعه ابزارهای تأمین مالی اسلامی با موانع متعددی روبرو بوده است که می توان آن ها را در چهار دسته اصلی طبقه بندی کرد:

چالش های فقهی و حقوقی

تفاسیر محافظه کارانه فقهی: بسیاری از فقها در مواجهه با ابزارهای نوین، از پذیرش ساختارهای جدید امتناع می ورزند یا با احتیاط عمل می کنند. این امر موجب کندی روند نوآوری مالی شده است.

نبود نظام منسجم اجتهاد مالی: برخلاف کشورهایمانند مالزی که «شورای فقهی مرکزی» دارند، در ایران وحدت رویه فقهی در نظام بانکی وجود ندارد.

تناقض میان ساختار قانونی و عملیاتی: گاهی عملیات واقعی بانکها با روح عقود اسلامی همخوان نیست؛ برای مثال، در قراردادهای مشارکت، بانک عملاً مانند یک طلبکار رفتار می کند نه شریک.

چالش های نهادی و اجرایی

عدم تنوع نهادی: تمرکز بانکها بر تسهیلات سنتی مانند فروش اقساطی، مانع توسعه نهادهای مالی اسلامی نوین مانند صندوق های وقفی، شرکت های تأمین مالی اسلامی یا مؤسسات تخصصی صکوک شده است.

ضعف زیرساخت های فناوری و گزارشگری مالی: بسیاری از ابزارهای نوین مانند صکوک، نیاز به سیستم های پیشرفته مدیریت ریسک، ثبت دارایی و شفافیت مالی دارند که در نظام بانکی ایران به طور کامل فراهم نیست.

چالش های فرهنگی و اجتماعی

ضعف آگاهی عمومی: بخش بزرگی از جامعه تمایز دقیق میان ابزارهای اسلامی و سنتی را نمی دانند و برخی محصولات اسلامی را صرفاً بازطراحی اسمی تلقی می کنند.

عدم اعتماد به اصالت اسلامی ابزارها: استفاده از وثایق سنگین، نرخ های سود مشخص، و عدم اجرای مشارکت واقعی، ذهنیت عمومی را نسبت به اصالت اسلامی بانکها مخدوش کرده است.

چالش های اقتصادی و مالی

افزایش ریسک ابزارهای مشارکتی: بانکها به دلیل ریسک بالا و عدم اطمینان از بازگشت سرمایه، تمایلی به استفاده از عقود مشارکت و مضاربه ندارند.

¹ Alam
² Bandur

مشکل در قیمت‌گذاری و کشف نرخ سود منصفانه: نبود سازوکار رقابتی شفاف برای تعیین سود در قراردادهای اسلامی موجب شده سودهای بانکی تفاوت چندانی با نظام ربوی نداشته باشند (قلیچ و طاهری، ۱۴۰۰).

راهکارهای پیشنهادی برای توسعه پایدار

تقویت نوآوری فقهی و مالی:

نوآوری در ابزارهای مالی اسلامی باید با تکیه بر اجتهاد پویا، و در عین حال متعهد به اصول شرعی انجام شود. استفاده از رویکردهای مقاصدالشریعه و فقه تطبیقی، بستر مناسبی برای طراحی ابزارهایی فراهم می‌کند که هم با نیازهای بازار هم‌خوانی دارند و هم از مشروعیت فقهی برخوردارند. در این راستا، بهره‌گیری از روش‌های علمی طراحی محصول، همچون استفاده از نظریه شبکه‌ها برای تحلیل اجزای محصول، به خلق ابزارهای منسجم‌تر کمک می‌کند (چاهین^۱ و همکاران، ۲۰۱۹).

بازنگری در سیاست‌های نظارتی و نهادسازی:

ایجاد یک نظام جامع شریعت‌پژوهی که شامل نهادهای نظارتی مستقل با اختیار واقعی برای ارزیابی و تصویب ابزارها باشد، امری ضروری است. این نهادها می‌توانند علاوه بر نظارت بر طراحی و اجرای ابزارها، آموزش‌های لازم را نیز به فعالان بازار ارائه دهند. همچنین، حضور نهادهای حسابرسی شرعی بیرونی با مسئولیت گزارش‌دهی شفاف می‌تواند موجب ارتقاء کیفیت پاسخ‌گویی بانک‌ها شود.

فرهنگ‌سازی و تربیت نیروی انسانی متخصص:

باید برنامه‌هایی جامع برای آموزش تخصصی در حوزه بانکداری اسلامی، فقه معاملات و طراحی مالی ایجاد شود. همکاری میان حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و بانک‌ها برای برگزاری دوره‌های مشترک می‌تواند در ارتقای سطح آگاهی و ایجاد ظرفیت‌های دانشی مؤثر واقع شود. بدون تردید، توسعه ابزارهای مالی اسلامی نیازمند تعامل میان سه حوزه فقه، اقتصاد و سیاست‌گذاری است. تا زمانی که این ابزارها صرفاً با رویکردی تقلیدی یا شکلی طراحی شوند، نمی‌توان انتظار داشت نظام بانکی کشور به الگوی پایدار و مؤثری از بانکداری اسلامی دست یابد. اصلاح ساختارها، تعمیق آموزش‌ها و ارتقاء نوآوری‌های بومی شده، می‌توانند چشم‌انداز روشنی برای آینده این مسیر ترسیم کنند (کههریزی و همکاران، ۱۴۰۲).

راهکارهای اصلاحی برای ارتقای نظام تأمین مالی اسلامی در ایران

برای عبور از وضعیت موجود و نیل به نظامی پویا، شفاف و منطبق بر شریعت در حوزه تأمین مالی اسلامی، راهکارهای زیر قابل ارائه است:

اصلاحات نهادی و نظارتی

- ✓ ایجاد شورای فقهی مرکزی مستقل مشابه تجربه مالزی برای وحدت‌بخشی به نظرات فقهی و هدایت نوآوری.
- ✓ تفکیک عملیات بانکداری اسلامی از سنتی در قالب بانک‌های تخصصی اسلامی با مأموریت مشخص.
- ✓ توسعه نهادهای مکمل مالی اسلامی مانند صندوق‌های وقفی، مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی، شرکت‌های صکوک و بازار سرمایه اسلامی.

اصلاحات فقهی و حقوقی

- ✓ بازنگری اجتهادی در ابزارهای جدید با رویکردی نوگرایانه و واقع‌بینانه نسبت به تحولات اقتصادی.

¹ Chahin

✓ ایجاد فقه‌ال‌مال معاصر بر اساس اصول مقاصد شریعت، که به‌جای تمرکز صرف بر ظاهر معاملات، به اهداف کلان مانند عدالت، شفافیت و مشارکت واقعی توجه دارد.

نوآوری در ابزارهای مالی

✓ طراحی محصولات ترکیبی و ساختاریافته مانند مشارکت-مراجعه، استصناع با صکوک، و اجاره با اختیار خرید.
✓ ایجاد ابزارهای متناسب با صنایع خاص مانند تأمین مالی زنجیره تأمین، تأمین مالی کشاورزی، و ابزارهای بیمه اسلامی (تکافل).

آموزش، فرهنگ‌سازی و اعتمادسازی

✓ ارتقاء سواد مالی اسلامی در سطح عمومی و تخصصی از طریق رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و آموزش بانکداران.
✓ افزایش شفافیت در قراردادهای اعلام نرخ سود به‌صورت روشن، و تفهیم ریسک‌ها به مشتریان برای افزایش اعتماد به محصولات اسلامی.
✓ ارتقاء کیفیت خدمات اسلامی بانکی به‌گونه‌ای که مشتری تفاوت کیفی، اخلاقی و اقتصادی آن را نسبت به نظام ربوی احساس کند.

توسعه محصولات منطبق با شریعت در بانکداری اسلامی: همکاری نهادی، چالش‌ها و الزامات

توسعه محصولات مالی منطبق با شریعت در بانکداری اسلامی، فرآیندی چندوجهی و حساس است که مستلزم توازن میان الزامات شرعی و مقتضیات اقتصادی بازار است. تحقیقات متعددی به بررسی ابعاد گوناگون این فرآیند در کشورهایی مانند اندونزی، مالزی و سایر کشورهای اسلامی پرداخته‌اند و هر یک بر جنبه‌ای خاص از توسعه ابزارهای مالی اسلامی تأکید داشته‌اند. به‌عنوان نمونه، رویکردهایی چون استفاده از نظریه هرم مصلحت، تمرکز بر توسعه محصولات برای تأمین مالی مسکن اسلامی در مالزی و بهره‌گیری از مدل‌های فرآیند شبکه‌ای همچون شبکه‌های پتری در مدل‌سازی توسعه محصول نشان‌دهنده تنوع و تکثر روش‌های نظری در این حوزه هستند. مطالعات جدیدتر بر تمایز میان مفاهیم "مطابق با شریعت" و "مبتنی بر شریعت" تأکید دارند. به‌ویژه کالدِر (۲۰۲۰)، نشان می‌دهد که گرایش به ابزارهای صرفاً "مطابق با شریعت" موجب فاصله گرفتن از فلسفه اصلی فقه‌ال‌مال و ارتباط با اقتصاد واقعی شده است. این تمایز مفهومی، پیامدهای مهمی در طراحی و توسعه ابزارها دارد و ضرورت بازنگری در چارچوب‌های اجرایی را پررنگ‌تر می‌سازد. در اندونزی، توسعه محصولات شریعت‌محور با چالش‌هایی نظیر محدودیت در منابع انسانی متخصص، ضعف زیرساخت فناوری اطلاعات، ناکافی بودن حمایت‌های نظارتی و رقابت فزاینده بازار مواجه است. در این شرایط، نقش همکاری نهادی میان مدیران اجرایی بانک‌ها و هیئت‌های نظارت شریعت به‌عنوان یک عامل کلیدی در موفقیت طراحی محصولات مطرح شده است. این همکاری دوسویه تضمین می‌کند که محصولات نه تنها مطابق با اصول فقهی طراحی شده‌اند، بلکه از منظر اجرایی، قابلیت عرضه در بازار و انطباق با مقررات نظارتی را نیز دارند (علمی، ۲۰۲۳). مطالعه فایض (۲۰۲۴)، تأکید می‌کند که هیئت نظارت شرعی و مدیریت بانکداری اسلامی باید در تعاملی مستمر و مؤثر باشند تا از تطابق کامل ابزارها با اصول شریعت، نیازهای مشتریان و الزامات نهادی اطمینان حاصل شود. این هماهنگی علاوه بر تضمین مشروعیت، موجب تقویت اعتماد مشتریان، کاهش ریسک‌های انطباق و ارتقاء یکپارچگی محصولات بانکداری اسلامی در طول چرخه عمر آن‌ها می‌شود. در سطح کلان، بقا و موفقیت بانکداری اسلامی در گرو توسعه مستمر، هدفمند و ساختارمند محصولات است. طراحی ابزارهایی که هم از نظر فقهی مشروع باشند و هم از منظر اقتصادی رقابت‌پذیر، مستلزم درک عمیق از رفتار مشتریان، شرایط بازار، و پیوستگی با فعالیت‌های اقتصادی واقعی است. این الزامات موجب شده تا پژوهشگران بر ضرورت ایجاد چارچوب‌های ارزیابی مداوم، سیستم‌های بازخورد و مشارکت فعال ذی‌نفعان داخلی و خارجی تأکید ورزند. در نهایت، توسعه ابزارهای شریعت‌محور تنها با طراحی‌های نوآورانه فقهی و اقتصادی محقق

نمی‌شود، بلکه نیازمند همکاری راهبردی و ساختاریافته میان تمامی بازیگران مؤثر، از جمله هیئت‌های شرعی، مدیران بانکی، رگولاتورها و حتی مشتریان است. این همکاری نه تنها تضمین‌کننده انطباق فنی و شرعی محصولات است، بلکه شفافیت، کارایی و مقبولیت اجتماعی آن‌ها را نیز ارتقاء می‌بخشد (فایض، ۲۰۲۴).

استراتژی‌ها و چالش‌های توسعه محصولات مالی اسلامی در بانکداری معاصر

در فضای رقابتی بانکداری امروز، توسعه محصولات مالی منطبق با شریعت یکی از ارکان اساسی موفقیت و تمایز بانک‌های اسلامی محسوب می‌شود. این فرآیند، تلفیقی از پایبندی فقهی، خلاقیت اقتصادی و شناخت عمیق نیازهای مشتریان است. مطالعات اخیر نشان داده‌اند که بانک‌های اسلامی می‌توانند با اتخاذ رویکردهای استراتژیک و نوآورانه، مسیر توسعه پایدار محصولات را هموار سازند (پولارد و سامرز، ۲۰۱۳).

از جمله استراتژی‌های پیشنهادی در این مسیر، می‌توان به شش مورد کلیدی اشاره کرد:

✓ **تحقیقات بازار محور:** بانک‌های اسلامی باید از طریق تحلیل داده‌محور نیازها، ترجیحات و خلأهای بازار، محصولات متناسب با اقبال مختلف طراحی کنند که به مسائل واقعی مشتریان پاسخ دهند.

✓ **همکاری با شرکت‌های فین‌تک و فناوری محور:** تعامل با شرکت‌های نوآور دیجیتال در حوزه‌هایی چون بانکداری همراه، پرداخت آنلاین و خدمات مجازی، می‌تواند به ایجاد محصولات کاربردی، در دسترس و مشتری‌محور منجر شود.

✓ **سفارشی‌سازی گزینه‌های تأمین مالی:** طراحی محصولات مالی برای نیازهای خاص مانند خرید مسکن، خودرو یا سرمایه در گردش کسب‌وکارها، با انعطاف‌پذیری در نرخ‌ها و زمان‌بندی پرداخت، می‌تواند پاسخگوی طیف گسترده‌تری از مشتریان باشد.

✓ **گسترش خدمات سرمایه‌گذاری:** توسعه ابزارهایی نظیر صندوق‌های سهامی، خدمات مدیریت دارایی و طرح‌های مدیریت ثروت مطابق با فقه اسلامی، یکی از مسیرهای رشد بانکداری اسلامی است.

✓ **ارتقای سواد مالی اسلامی:** افزایش آگاهی عمومی از اصول بانکداری اسلامی از طریق آموزش و ارتباط مؤثر، درک و پذیرش مشتریان را افزایش می‌دهد.

✓ **سرمایه‌گذاری مسئولانه و اخلاق محور:** تمرکز بر محصولات پایدار مانند صندوق‌های سبز، تأمین مالی خرد، و پروژه‌های اجتماعی، منطبق با اهداف توسعه پایدار اسلامی است (پولارد و سامرز، ۲۰۱۳).

این استراتژی‌ها می‌توانند به تمایز بانک‌های اسلامی در بازار، تقویت وفاداری مشتریان و رشد صنعت بانکداری اسلامی کمک کنند. در این راستا، نوآوری مستمر در طراحی محصول باید در اولویت قرار گیرد تا بانک‌های اسلامی بتوانند در برابر رقبا باقی بمانند و نیازهای متغیر جامعه را پاسخ دهند (احمد، ۲۰۱۹). با وجود فرصت‌ها، مسیر توسعه محصولات منطبق با شریعت با چالش‌های متعددی روبرو است:

نخست، رعایت مقررات و تأیید شریعت یکی از موانع اصلی است. هر محصول جدید باید به تصویب هیئت نظارت شرعی برسد. با توجه به وجود تفاسیر متفاوت فقهی، ایجاد تعادل میان انطباق فقهی و ثبات اجرایی محصول کاری دشوار است. دوم، ضرورت نوآوری در طراحی محصولات، در عین حفظ مشروعیت شرعی، پیچیدگی مضاعفی ایجاد می‌کند. ایده‌های جدید گاه با خطر انحراف از مقاصد شریعت یا درک نادرست از ساختار فقهی مواجه می‌شوند و نیاز به ارزیابی‌های دقیق دارند. سوم، فاصله دانش مشتری با پیچیدگی محصول مانع دیگری است. محصولات مالی اسلامی به دلیل ساختارهای چندلایه نیاز به توضیح، آموزش و شفاف‌سازی برای مصرف‌کننده دارند. در نبود استراتژی‌های آموزشی

¹ Pollard & Samers

مناسب، پذیرش این محصولات با مشکل مواجه خواهد شد. در نهایت، بانکداری اسلامی مأموریتی فراتر از صرف انطباق با قوانین شرعی دارد. این نظام مالی، در پی تحقق اهدافی چون تقسیم عادلانه ریسک، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار است. بنابراین، محصولات طراحی شده باید هم‌زمان با اصول فقهی، با این مقاصد اقتصادی و اخلاقی نیز هم‌راستا باشند (المدنی^۱ و همکاران، ۲۰۲۰).

چالش‌های انطباق شریعت در توسعه محصولات بانکداری اسلامی

یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه محصولات مالی اسلامی، انطباق کامل با اصول شریعت است. به‌رغم تلاش بانک‌های اسلامی برای طراحی ابزارهایی همسو با قواعد فقهی، همچنان انتقادات گسترده‌ای نسبت به نحوه اجرای این فرآیند مطرح است. مقبل و احمد^۲ (۲۰۲۰)، استدلال می‌کنند که محصولات مالی اسلامی با اصول شریعت هم‌خوانی دارند و در عین حال تقاضای مصرف‌کنندگان را پاسخ می‌دهند، اما برخی پژوهشگران رویکرد این صنعت را به دلیل شباهت بیش از حد به بانکداری متعارف، زیر سؤال می‌برند. افزون بر این، رویه افزودن بندهای نو به قالب‌های سنتی عقد، منجر به سوالاتی در باب اصالت فقهی محصولات مالی مدرن شده است. بررسی دقیق مفاد قراردادها از نظر شریعت، به‌ویژه در ترکیب شروط ضمن عقد، نیازمند دانش فقهی عمیق و تفسیر موردی است. چنین پیچیدگی‌هایی اهمیت تدوین چارچوب‌های ارزیابی انطباق با شریعت را دوچندان می‌کند تا از تبدیل ابزارهای مالی اسلامی به اشکال سطحی و تقلیدی از بانکداری متعارف جلوگیری شود. از سوی دیگر، رقابت فزاینده با بانک‌های متعارف، به‌ویژه آن‌هایی که خدمات بانکداری اسلامی ارائه می‌دهند، فشار بیشتری بر بانک‌های اسلامی وارد کرده است. طراحی محصولات شریعت‌محور باید نه تنها منطبق با فقه اسلامی، بلکه کارآمد، کم‌هزینه و پاسخگوی نیازهای مالی مصرف‌کننده باشد. مشتریان امروزی، محصولات اسلامی را با معیارهایی چون بازده، شفافیت و کیفیت خدمات می‌سنجند، نه صرفاً تطابق با اصول شریعت. بنابراین، بانک‌های اسلامی برای حفظ مزیت رقابتی باید نوآوری را با انطباق فقهی تلفیق کنند. مسئله اساسی دیگر، ضرورت وجود نهادهای نظارت شرعی قوی و مستقل است. مطابق با الزامات شریعت، بانک‌های اسلامی موظف‌اند برای همه محصولات و معاملات، تأییدیه‌های فقهی اخذ کنند. این فرآیند توسط هیئت‌های مشاوره شریعت صورت می‌گیرد که اعضای آن از علمای متخصص در فقه معاملات اسلامی هستند (خلید^۳، ۲۰۲۰). بررسی دقیق مفاد قراردادها، نظارت بر عملیات اجرایی و انجام ممیزی‌های شرعی منظم، بخشی از وظایف این هیئت‌هاست. تنها در صورت طی این فرآیند است که محصولی واجد شرایط «انطباق با شریعت» شناخته می‌شود. با این حال، محدودیت‌هایی نیز در مسیر وجود دارد. تطابق کامل با شریعت، به‌ویژه در محیط‌های چندملیتی، با چالش‌هایی همچون تفاسیر متفاوت فقهی، تفاوت در استانداردهای نظارتی و محدودیت‌های قانونی روبروست. این مسئله به‌ویژه در زمینه رعایت اصولی نظیر ممنوعیت ربا (بهره)، غرر (ابهام)، میسر (قمار)، ظلم (بی‌عدالتی)، و فعالیت‌های غیرمجاز مانند الکل و قمار اهمیت بیشتری می‌یابد. از سوی دیگر، محدودیت‌هایی که از سوی شریعت بر مشاغل و محصولات مالی تحمیل می‌شود، اگرچه مشروعیت اخلاقی و دینی آن‌ها را افزایش می‌دهد، اما می‌تواند موجب کاهش انعطاف‌پذیری در بازار جهانی شود. بنابراین، نیاز به توازن میان انطباق با اصول اسلامی و حفظ رقابت‌پذیری بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود (مهد سعد^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). در جمع‌بندی، می‌توان گفت که توسعه محصولات بانکداری اسلامی تنها زمانی موفق خواهد بود که با سه معیار کلیدی همراه باشد:

¹ Al Madani
² Moqbel & Ahmed
³ Khalid
⁴ Mohd Saad

✓ اصالت فقهی بر پایه اجتهاد معتبر
✓ نوآوری در طراحی و پاسخگویی به نیازهای بازار
✓ استقرار نظام قوی نظارت شرعی برای ارزیابی، تطبیق و به‌روزرسانی مداوم محصولات
✓ توسعه بانکداری اسلامی در سطح جهانی و اروپا: واقعیت‌ها و زمینه‌های حقوقی و اقتصادی

در سال‌های اخیر، موضوع اجرای اصول عملیاتی مؤسسات مالی اسلامی در چارچوب نظام‌های اقتصادی کشورهای مختلف جهان، به یکی از مباحث محوری حوزه بانکداری تبدیل شده است. هرچند بانکداری اسلامی در بیش از ۴۰ کشور جهان حضور دارد، اما پیشرفت واقعی و مؤثر آن در کشورهایی محقق شده است که اصلاحات حقوقی لازم برای نهادینه‌سازی این نظام را به‌درستی اعمال کرده‌اند. از جمله این کشورها می‌توان به مالزی، امارات متحده عربی و بحرین اشاره کرد که با تدوین مقررات مشخص و حمایت نهادی، توانسته‌اند بستر رشد بانک‌های اسلامی و توسعه ابزارهای منطبق با شریعت را فراهم کنند. در سال‌های اخیر و به‌ویژه در پی تحولات جمعیتی و اقتصادی، کشورهای غربی همچون بریتانیا، فرانسه، آلمان و همچنین کشورهای مشترک‌المنافع نظیر قزاقستان و قرقیزستان نیز اقدام به توسعه نهادهای مالی اسلامی در چارچوب نظام‌های قانونی خود کرده‌اند با وجود گسترش جهانی این نظام، هنوز تعریف واحد و روشنی از مفهوم «مالی اسلامی» در علوم اقتصادی و حقوقی وجود ندارد. دلیل اصلی این امر، ماهیت مذهبی و فقه‌محور این سیستم مالی است که ریشه در متون دینی اسلام، به‌ویژه قرآن و سنت دارد. در بسیاری از کشورهایی که بانکداری اسلامی نهادینه شده، منابع دینی جایگاه حقوقی برتری نسبت به سایر منابع قانون‌گذاری دارند (کاملو و وان ابراهیم^۱، ۲۰۲۱). یکی از وجوه متمایز اقتصاد اسلامی نسبت به نظریه‌های اقتصادی غربی، نگاه متفاوت به مقوله پول است. در اسلام، پول صرفاً یک ابزار انتقال ارزش، ذخیره ثروت و واسطه مبادله محسوب می‌شود و فاقد ارزش ذاتی است. از این منظر، امور مالی اسلامی نه تنها سازگار با شریعت است، بلکه نوعی رابطه اخلاق‌محور میان عرضه و تقاضای سرمایه را بازنمایی می‌کند؛ رابطه‌ای که مبتنی بر اجتناب از ربا و تشویق به فعالیت‌های مولد است. با گذر زمان، فعالیت‌های مالی اسلامی فراتر از مرزهای کشورهای اسلامی گسترش یافته و در حال حاضر در قالب نهادهای مالی محلی، بانک‌های بین‌المللی، و صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی در بسیاری از نقاط جهان فعال هستند. در اروپا، این نوع از بانکداری اغلب با عنوان «مالی اخلاقی» شناخته می‌شود. در اوایل دهه ۲۰۰۰، هنگامی که مباحث مربوط به توسعه بانکداری اسلامی در بریتانیا و فرانسه مطرح شد، برخی جریان‌های سیاسی نگران ورود قوانین شریعت به نظام حقوقی این کشورها بودند. با این حال، با مشخص شدن اینکه فعالیت‌های بانک‌های اسلامی تحت نظارت و تطابق با قوانین عمومی اروپا انجام خواهد شد، بخش عمده‌ای از این مخالفت‌ها فروکش کرد. توسعه بانکداری اسلامی در اروپا را می‌توان حاصل ترکیب دو عامل کلیدی دانست.

پیشینه تحقیقات انجام شده

آودیک^۲ و همکاران (۲۰۲۵)، با رویکرد «اقتصاد اخلاقی اسلامی» به بررسی اثر توسعه‌ای بانکداری اسلامی می‌پردازد. نویسندگان با استفاده از شاخص توسعه انسانی و ضریب جینی، رابطه‌ی میان گسترش بانکداری اسلامی و توسعه اجتماعی-اقتصادی را در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ برای ۱۴ کشور با نظام مالی اسلامی بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه بانکداری اسلامی موجب افزایش نابرابری نشده، اما تأثیر معناداری در کاهش نابرابری نیز نداشته است. در عین حال، نقش مثبت بانکداری اسلامی بر توسعه انسانی تنها در بلندمدت و تحت شرایط خاصی قابل مشاهده

¹ Kamalu & Wan Ibrahim

² Avdukic

بوده است، که نشان‌دهنده نیاز به اصلاحات ساختاری برای تحقق اهداف عدالت‌محور در چارچوب اقتصاد اخلاقی اسلامی است.

آيسان و اونال^۱ (۲۰۲۴)، اظهار داشتند مالی اسلامی با تکیه بر عدالت اجتماعی، سرمایه‌گذاری اخلاقی و اصول ESG، ظرفیت بالایی برای مقابله با چالش‌های مالی جهانی دارد. این مقاله ضمن بررسی تاریخی رشد این صنعت، بر ضرورت تطبیق آن با اهداف توسعه پایدار و معیارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تأکید دارد. ابزارهایی مانند صکوک سبز و صکوک اثر اجتماعی، می‌توانند منابع مالی لازم برای پروژه‌های مسئولانه و پایدار را فراهم کنند. همچنین، توسعه این صنعت نیازمند استانداردسازی، تقویت نهادهای نظارتی و افزایش آگاهی عمومی است تا بتواند جایگاهی محکم در ساختار جهانی اقتصاد به‌دست آورد.

مقاله فیاض^۲ (۲۰۲۴)، با تمرکز بر اندونزی، فرآیند توسعه محصولات بانکداری اسلامی را از منظر پابندی به شریعت بررسی می‌کند. این مطالعه کیفی با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با هفت کارشناس حوزه بانکداری اسلامی و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار NVivo 12، نشان می‌دهد که نقش هیئت نظارت شریعت و مدیریت بانک در طراحی محصولات، کلیدی است. این نهادها با همکاری مستمر، نه تنها پابندی به اصول اسلامی را تضمین می‌کنند، بلکه به نیازهای بازار نیز پاسخ می‌دهند. همچنین، این هماهنگی موجب ارتقاء اعتماد مشتری و ترویج اخلاق‌مداری در بانکداری اسلامی می‌شود. مقاله بر این نکته تأکید دارد که پابندی به شریعت، تنها الزام مذهبی نیست، بلکه عنصر مرکزی در مدل کسب‌وکار بانکداری اسلامی محسوب می‌شود.

مقاله آقیب علی^۳ (۲۰۲۳)، به بررسی تطبیقی پیشرفت بانکداری اسلامی در دو منطقه اصلی، یعنی آسیا و جهان غرب می‌پردازد. این مطالعه با رویکردی کیفی، داده‌هایی از بانک‌های مرکزی و نهادهای مالی معتبر گردآوری کرده و عملکرد و نوآوری‌های بانکداری اسلامی را در کشورهای خاورمیانه، جنوب و جنوب‌شرقی آسیا (مانند ایران، عربستان، مالزی، پاکستان، اندونزی و قطر) با کشورهای غربی نظیر بریتانیا، آلمان، فرانسه، آمریکا، کانادا و استرالیا مقایسه کرده است. نتایج نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی از منطقه خاورمیانه و آسیا ریشه گرفته و به تدریج در کشورهای غربی نیز در حال گسترش است. این مطالعه گواهی می‌دهد که بانکداری اسلامی نه تنها منطقه‌ای بلکه پتانسیل تبدیل شدن به یک مدل مالی جهانی را دارد.

خایدرو^۴ (۲۰۲۳)، به بررسی وضعیت ابزارهای مالی اسلامی در ازبکستان می‌پردازد و روند تاریخی، کاربردها، مزایا و چالش‌های استفاده از این ابزارها را تحلیل می‌کند. نویسنده اشاره می‌کند که ابزارهایی مانند مرابحه، اجاره، و صکوک می‌توانند در نظام مالی کشور جایگزین مناسبی برای ابزارهای متعارف باشند. چالش‌هایی مانند نبود چارچوب قانونی منسجم، ضعف دانش تخصصی و موانع نهادی نیز مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی برای رفع آنها ارائه شده است، از جمله تدوین مقررات خاص، آموزش متخصصان، و همکاری با نهادهای بین‌المللی مالی اسلامی.

مطالعه‌ی سامودرا^۴ و همکاران (۲۰۲۴)، به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های توسعه ابزارهای مالی اسلامی پرداخته است. با استفاده از رویکرد کیفی توصیفی و تحلیل منابع ثانویه، یافته‌ها نشان می‌دهد که ابزارهای مالی متنوعی نظیر مرابحه، مضاربه، صکوک، ابزارهای پس‌انداز و بیمه اسلامی، نقش مهمی در پاسخگویی به نیازهای مالی جوامع مسلمان دارند. همچنین ابزارهای نوینی همچون صکوک سبز و فین‌تک اسلامی نیز در حال رشد هستند. با این حال، موانع نظارتی، چالش‌های نقدینگی و عدم آگاهی عمومی، از مهم‌ترین چالش‌های گسترش این ابزارها محسوب می‌شوند.

¹ Aysan & Unal

² Faizi

³ Khaydarov

⁴ Samudera

مطالعه‌ی کامالو و وان ابراهیم^۱ (۲۰۲۱)، نشان می‌دهد که توسعه بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی بر ارتقاء شمول مالی در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی دارد. با استفاده از داده‌های پانل برای ۳۰ کشور در دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ و روش‌های آماری پیشرفته نظیر آزمون گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی، یافته‌ها حاکی از آن است که بانکداری اسلامی به‌ویژه در کشورهایی که کیفیت نهادی پایین‌تری دارند، نقش مؤثرتری در بهبود شمول مالی ایفا می‌کند. این نشان می‌دهد که در نبود نهادهای قوی، بانکداری اسلامی می‌تواند ابزار جایگزین و کارآمدی برای افزایش دسترسی مردم به خدمات مالی باشد.

التوتی و فاطمه^۲ (۲۰۱۹)، بیان داشت مالی اسلامی به‌عنوان یک سیستم رقابتی جهانی برای کشورهای مسلمان و غیرمسلمان در حال گسترش است. این مقاله در چهار بخش، به معرفی مالی اسلامی، ساختار نظام آن، هنجارهای اصلی (مانند ممنوعیت ربا، غرر و میسر) و فرصت‌های آن می‌پردازد. در پایان، چالش‌های اجرایی، مانند ضعف چارچوب‌های نظارتی، کمبود زیرساخت‌های فنی و پیچیدگی اجرای اصول شریعت در کشورهایی که به‌تازگی مالی اسلامی را پذیرفته‌اند، شناسایی شده‌اند. نویسندگان تأکید دارند که پذیرش موفق مالی اسلامی نیازمند سازگاری نهادی و افزایش آگاهی عمومی است.

اکبری و همکاران (۱۴۰۴)، در پژوهشی تجربی، به بررسی تأثیر ساختار تأمین مالی بر فرآیند خلق نقدینگی در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، داده‌های فصلی مربوط به متغیرهای منتخب طی بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ گردآوری و با بهره‌گیری از مدل خودرگرسیون برداری بی‌زین در محیط نرم‌افزار EViews تحلیل شدند. نتایج مطالعه نشان داد که ساختار تأمین مالی بانک‌ها، به‌ویژه سهم سپرده‌ها و تنوع منابع تأمین مالی، بر نوسانات خلق نقدینگی تأثیرگذار است. یافته‌ها همچنین حاکی از آن‌اند که واکنش خلق نقدینگی نسبت به شوک‌های ساختار مالی در دوره‌های کوتاه‌مدت محسوس‌تر است و با گذر زمان، این اثرات روندی کاهنده و میرا پیدا می‌کنند. بر این اساس، ساختار تأمین مالی بانک‌ها می‌تواند نقش معناداری در کنترل یا تحریک فرآیند خلق نقدینگی ایفا کند.

کهریزی و همکاران (۱۴۰۲)، در یک مطالعه مروری به بررسی اهمیت تأمین مالی بانکی و ابزارهای نوین آن در اقتصاد ایران پرداختند. این پژوهش با هدف گردآوری و معرفی ابزارهای جدید تأمین مالی در نظام بانکی کشور انجام شد. بر اساس نتایج، ابزارهایی نظیر صکوک، اوراق مشارکت، اوراق رهنی، اوراق آتی، اوراق مشتقه، گواهی سپرده، سهام موقت و تنزیل اسناد از جمله راهکارهای نوین جذب منابع مالی به شمار می‌روند. همچنین توسعه این ابزارها، علاوه بر افزایش شفافیت و کاهش ریسک‌های مالی، موجب بهبود فرآیندهای بانکی و تسهیل در دسترسی به منابع خواهد شد. به‌ویژه در شرایط فعلی، تمرکز بر ارتقای این ابزارها یکی از اولویت‌های مهم سیاست‌گذاران بانکی کشور محسوب می‌شود.

نگاهبانی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی تجربی، به بررسی تأثیر تأمین مالی اسلامی بر تخصیص منابع بانکی در ایران پرداختند. در این مطالعه، داده‌های فصلی دوره زمانی ۱۳۹۱:۴ تا ۱۴۰۰:۲ با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ تحلیل شد. تمرکز اصلی پژوهش بر تأثیر اوراق صکوک اجاره و مرابحه بر میزان تسهیلات بانکی بود. نتایج نشان داد که این ابزارهای تأمین مالی اسلامی در هر دو رژیم اقتصادی مورد بررسی، تأثیر مثبتی بر تسهیلات بانکی دارند، اگرچه شدت اثرگذاری آن‌ها چندان چشم‌گیر نیست. این یافته‌ها نشان‌دهنده لزوم تقویت زیرساخت‌ها و سیاست‌های مؤثر برای گسترش انتشار صکوک و جذب منابع داخلی و خارجی برای تأمین مالی نظام بانکی کشور است.

¹ Kamalu & Wan Ibrahim

² Altawati & Fhema

قلیچ و طاهری (۱۴۰۰)، با هدف پاسخ به نیازهای اقشار کم‌درآمد و متوسط جامعه، الگویی نوین برای تأمین مالی خرد اسلامی در نظام بانکی ایران ارائه کردند. در این مطالعه که به روش توصیفی-پیمایشی انجام شده، از دیدگاه خبرگان بانکی برای طراحی مدل استفاده شد. الگوی پیشنهادی مبتنی بر جذب سپرده از طریق عقد وکالت خاص و اعطای تسهیلات از طریق عقود قرض‌الحسنه و مرابحه است. هدف این الگو، افزایش پوشش مالی برای خانوارهای آسیب‌پذیر و تسهیل در دسترسی به منابع با حفظ اصول بانکداری اسلامی می‌باشد.

در مطالعه‌ای با هدف شناسایی و اولویت‌بندی ابزارهای تأمین مالی اسلامی برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، عبدی و مبینی دهکردی (۱۳۹۸)، ابتدا ۲۸ عامل مؤثر را بر اساس ادبیات موضوع استخراج و در چهار مؤلفه شامل تأمین مالی‌کننده، نهادهای مکمل، تأمین مالی‌شونده و عوامل کلان اقتصادی طبقه‌بندی کردند. این عوامل با استفاده از روش دلفی و نظر خبرگان رتبه‌بندی شدند. سپس از طریق فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی و بهره‌گیری از عوامل مذکور به‌عنوان زیرمعیار، ابزارهای مالی اسلامی اولویت‌بندی گردید. نتایج حاکی از آن بود که در مؤلفه تأمین مالی‌کننده، بازدهی، ریسک سرمایه‌گذاری و نقدشوندگی ابزارها در اولویت قرار دارند. در مؤلفه نهادهای مکمل، قابلیت نقل‌وانتقال، نقدشوندگی، و فروش موفق ابزارها از طریق بازاریابی مؤثر، دارای بالاترین اهمیت بودند. در مؤلفه تأمین مالی‌شونده، عواملی همچون ثبات مالی، زمان دستیابی به منابع و توجیه‌پذیری فنی و اقتصادی، بیشترین وزن را به خود اختصاص دادند. در بُعد کلان اقتصادی، ارتقاء بهره‌وری، کاهش آسیب‌پذیری و هماهنگی با سیاست‌های پولی، عوامل برجسته شناسایی شدند. در نهایت، اوراق مشارکت به‌عنوان اولویت نخست ابزار تأمین مالی اسلامی معرفی شد، و پس از آن به ترتیب اوراق استصناع، اسناد خزانه اسلامی، اوراق اجاره، اوراق سلف، اوراق منفعت و اوراق مرابحه قرار گرفتند.

حقیقی و مؤمنی‌نژاد (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای با رویکرد تحلیلی-میدانی، به تحلیل و رتبه‌بندی روش‌های تأمین مالی بانک‌ها از طریق ابزارهای بازار سرمایه پرداختند. این پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی و جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه انجام شد. نتایج نشان داد که از دید خبرگان، گواهی سپرده، خرید دین، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، صکوک و اوراق بهادار از جمله مؤثرترین روش‌های تأمین مالی بانکی هستند. پژوهش همچنین تأکید دارد که توسعه این ابزارها، ضمن افزایش بهره‌وری مالی، باید از منظر اقتصادی و جلوگیری از سوداگری نیز ارزیابی شود.

اسماعیل‌زاده و امیری (۱۳۹۴)، در پژوهشی با هدف بررسی ابزارهای نوین تأمین مالی و راهکارهای اجرای آن‌ها در بانک تجارت، به شناسایی ابزارهایی همچون صکوک، اوراق رهنی، اوراق آتی، اوراق مشتقه، گواهی سپرده و اوراق مشارکت پرداختند. جامعه آماری شامل مدیران ستادی، رؤسا و معاونین بانک تجارت بوده و داده‌ها از طریق مصاحبه با ۹۰ کارشناس طی بازه زمانی شهریور تا بهمن ۱۳۹۲ گردآوری شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای مبتنی بر شش فرضیه تحقیق بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 18 صورت گرفت. نتایج نشان داد که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، کلیه ابزارهای بررسی‌شده دارای قابلیت اجرایی در بانک تجارت هستند.

فرجی و فراهانی (۱۳۹۰)، به بررسی ابزارهای نوین تأمین مالی: کاربرد اوراق قرض‌الحسنه، مرابحه، اجاره و استصناع (سفارش ساخت) در سیستم بانکی پرداختند. در این مقاله به منظور تأمین مالی و افزایش نقدینگی و اصلاح ساختار ترازنامه بانک‌ها بر پایه اصول و موازین حاکم بر بانکداری اسلامی، ابزارهای جدید و نوین تأمین مالی در قالب اوراق قرض‌الحسنه به‌عنوان ابزار غیرانتفاعی و اوراق مرابحه، اجاره، استصناع (سفارش ساخت) به‌عنوان ابزارهای انتفاعی با بازدهی معین معرفی شده و مزایا و فرآیند اجرایی هر یک از ابزارها به تفکیک به منظور پیاده‌سازی در بانک‌ها و مؤسسات مالی تشریح شد. آن‌ها بر این عقیده بودند که استفاده از ابزارهای تأمین مالی مزایای بسیاری برای بانک‌ها و مؤسسات مالی از جمله افزایش نقدینگی، بهبود مدیریت ریسک، افزایش در تنوع منابع تأمین مالی، افزایش ثروت سهامداران، بهبود

بخشیدن به توان بانک برای تطابق سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها، بهبود نسبت‌های مالی، کسب درآمد از طریق ایفای نقش عامل و آزادسازی منابع مالی بانک‌ها به منظور اعطای تسهیلات به بخش‌های سودآور و... در بردارد.

بحث و نتیجه گیری

تأمین مالی اسلامی به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام اقتصادی اسلامی، ظرفیتی راهبردی برای توسعه پایدار، افزایش شمول مالی و تحقق عدالت اقتصادی در جوامع اسلامی محسوب می‌شود. ایران به‌عنوان یکی از نخستین کشورهای که نظام بانکی خود را به‌طور رسمی بر پایه اصول بدون ربا بازطراحی کرده، در موقعیتی ممتاز برای توسعه ابزارهای مالی اسلامی قرار دارد؛ اما در عمل، نظام بانکی کشور با چالش‌هایی جدی در تحقق اهداف واقعی این نظام مواجه بوده است (آقیب علی^۱، ۲۰۲۳). بر اساس تحلیل تطبیقی با کشورهای نظیر مالزی، عربستان، اندونزی و لوکزامبورگ، روشن شد که: ایران با وجود زیرساخت‌های قانونی و فقهی مناسب، از نظر تنوع، کارآمدی، نوآوری و انطباق عملیاتی ابزارهای مالی اسلامی، عقب‌تر از کشورهای پیشرو قرار دارد. تمرکز شدید بر تسهیلات شبه‌مراجمه‌ای، ضعف نهادهای پشتیبان، عدم مشارکت واقعی بانک‌ها در ریسک، و فاصله معنادار میان اهداف فقهی و عملکرد عملیاتی از موانع اصلی هستند. در کشورهای موفق، پیوند نهادهای نظارتی، اجتهاد فقهی پویا، و زیرساخت‌های شفاف مالی، عامل کلیدی در توسعه ابزارهای تأمین مالی اسلامی بوده‌اند. بر این اساس، اگرچه ساختار فعلی بانکداری اسلامی در ایران گام مهمی در راستای حذف ربا از نظام مالی بوده است، اما برای ارتقاء به سطحی که تأمین مالی اسلامی نقش کلیدی در رشد اقتصاد ملی و تأمین مالی پروژه‌های مولد ایفا کند، نیازمند اصلاحات گسترده نهادی، فقهی، اجرایی و فرهنگی هستیم. توسعه ابزارهای واقعی، مشارکتی و دارای پشتوانه دارایی به جای ابزارهای صرفاً صوری یا بدهی‌محور باید در اولویت قرار گیرد. نوآوری در ابزارهای تأمین مالی اسلامی تنها در صورتی موفق خواهد بود که در بستر اصلاحات نهادی، اجتهاد مالی و شفافیت اجرایی شکل بگیرد. الگوگیری از تجارب موفق بین‌المللی به شرط بومی‌سازی دقیق و انطباق با اقتضائات فقهی ایران، می‌تواند راهگشای طراحی ابزارهای کارآمد و پایدار باشد. در پایان، پیشنهاد می‌شود که نهادهای سیاست‌گذار و قانون‌گذار مانند بانک مرکزی، مجلس شورای اسلامی، شورای فقهی و شبکه بانکی کشور، با همکاری نهادهای علمی و دانشگاهی، طرحی جامع برای تحول ساختاری نظام تأمین مالی اسلامی تدوین و اجرا کنند؛ طرحی که نه تنها به اصلاح سازوکارهای موجود منجر شود، بلکه زمینه‌ساز ایجاد نسلی نو از نهادهای مالی اسلامی متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران باشد. بانک‌های اسلامی برای عبور از چالش‌های فقهی و تضمین اصالت فعالیت‌های خود، باید اطمینان حاصل کنند که تمامی محصولات و عملیاتشان با اصول شریعت کاملاً منطبق است. این انطباق از طریق فرآیندهای نظارتی دقیق و تحت هدایت هیئت‌های نظارت شریعت صورت می‌گیرد که بر رعایت اصول اساسی چون ممنوعیت ربا (بهره)، غرر (ابهام و عدم قطعیت)، میسر (قمار)، ظلم (بی‌عدالتی)، و استفاده از موضوعات نامشروع نظارت دارند. این اصول، هسته مرکزی بانکداری اسلامی را تشکیل می‌دهند و اجرای صحیح آن‌ها ضامن عدالت اجتماعی-اقتصادی، رفتار اخلاقی در معاملات و پایداری سیستم مالی اسلامی است. از همین رو، بانک‌های اسلامی علاوه بر پیروی از الزامات قانونی، اقدام به تشکیل هیئت‌های مشاوره شریعت مستقل، اجرای ممیزی‌های شرعی منظم و انجام بازبینی‌های ساختاریافته در فرآیندهای خود می‌کنند. این تعهد نهادی و اصول‌محور به شریعت اسلامی نه تنها وجه تمایز بانک‌های اسلامی با نظام‌های متعارف مالی است، بلکه نشانه‌ای از پایبندی واقعی آنان به ارزش‌ها و فلسفه اخلاقی امور مالی اسلامی محسوب می‌شود. چنین پایبندی‌ای، بنیان اعتماد عمومی را تقویت کرده و مشروعیت بانکداری اسلامی را در

¹ Aqib Ali

سطح داخلی و بین‌المللی حفظ می‌کند (شهید^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). توسعه محصولات مالی منطبق با شریعت در بانکداری اسلامی، فرآیندی پیچیده و چندلایه است که مستلزم توازن میان سه بُعد اصلی است: پابندی به اصول فقهی، پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی بازار، و حفظ رقابت‌پذیری اقتصادی. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که هرچند بانک‌های اسلامی از طریق سازوکارهایی مانند تشکیل هیئت‌های نظارت شریعت، حسابرسی شرعی و تدوین رویه‌های تطبیقی کوشیده‌اند تا مشروعیت فقهی محصولات خود را تضمین کنند، اما همچنان با چالش‌هایی جدی در سطح طراحی، اجرا و درک عمومی از این محصولات روبه‌رو هستند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، شباهت ساختاری برخی از ابزارهای اسلامی به محصولات متعارف است که نه تنها موجب تردید در اصالت فقهی آن‌ها شده، بلکه باعث شده برخی از آن‌ها صرفاً «منطبق با شریعت باشند، نه «مبتنی بر شریعت». انتقادهایی که توسط پژوهشگرانی چون عثمانی، دلورنزو و نگاوا مطرح شده‌اند، بر همین نکته تأکید دارند: اینکه بخشی از محصولات فعلی صنعت مالی اسلامی ممکن است ظاهر شرعی داشته باشند، اما در عمل فاقد روح عدالت‌محور و تولیدمحور شریعت اسلامی‌اند. همچنین، تفاوت در تفاسیر فقهی بین حوزه‌های جغرافیایی مختلف و حتی درون کشورها، باعث پیچیدگی بیشتر در فرآیند توسعه و تأیید محصولات شده است. این امر نقش نهادهای ناظر شریعت را برجسته‌تر می‌سازد، به‌ویژه در شرایطی که بانک‌ها با فشارهای رقابتی و انتظارات متنوع مشتریان مواجه‌اند. به‌علاوه، ترکیب نوآوری‌های مالی با الزامات شرعی، نیازمند رویکردی ساختارمند است که هم اصول فقه‌المعاملات را رعایت کند و هم پاسخگوی تغییرات سریع فناوری، نیازهای دیجیتال و پیچیدگی‌های بازار سرمایه باشد. از سوی دیگر، نقش مشتریان در پذیرش یا عدم پذیرش محصولات نیز غیرقابل انکار است. محصولات پیچیده بدون آموزش کافی یا شفاف‌سازی مؤثر، می‌توانند موجب بی‌اعتمادی یا سردرگمی شوند. بنابراین، ارتقای سواد مالی اسلامی، ارتباط مؤثر با ذی‌نفعان، و توسعه محصولات ساده‌فهم و شفاف از ضرورت‌های اساسی آینده بانکداری اسلامی است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، موارد زیر به‌عنوان الزامات راهبردی پیشنهاد می‌شوند:

- ✓ استقرار نظام‌های ارزیابی دقیق و مستمر شریعت با مشارکت فعال علمای خبره و نهادهای مستقل شرعی.
- ✓ بازنگری در ساختارهای محصول با تأکید بر طراحی‌های نوین «مبتنی بر شریعت» به جای تقلید از قالب‌های متعارف.
- ✓ توسعه زیرساخت‌های آموزشی و ترویجی برای افزایش درک عمومی از ماهیت، مزایا و تفاوت‌های محصولات اسلامی.
- ✓ استفاده از ابزارهای فناوری و فین‌تک جهت ساده‌سازی، دیجیتالی‌سازی و افزایش دسترسی به محصولات شریعت‌محور.
- ✓ هم‌راستا ساختن طراحی محصولات با مقاصد شریعت از جمله عدالت توزیعی، جلوگیری از استثمار، و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی مولد.

در مجموع، آینده بانکداری اسلامی در گرو آن است که بتواند از مرز انطباق صوری عبور کرده و به مرحله‌ای از اصالت فقهی، نوآوری اقتصادی و مشروعیت اجتماعی برسد. تنها در این صورت است که این صنعت می‌تواند هم به ارزش‌های دینی وفادار بماند و هم پاسخگوی نیازهای جامعه مدرن باشد.

¹ Shahid

منابع

- ✓ اسماعیل زاده، علی، امیری، حمیده، (۱۳۹۴)، بررسی ابزارهای نوین تأمین مالی و راهکارهای اجرایی نمودن آن در بانک تجارت، اقتصاد مالی، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۵۷-۷۶.
- ✓ اکبری، الناز، مینویی، مهرزاد، محمدپورزندی، محمدابراهیم، (۱۴۰۴)، تأثیر ساختار تأمین مالی بر خلق نقدینگی بانک‌های بورس اوراق بهادار تهران، دانش سرمایه‌گذاری، دوره ۱۴، شماره ۵۵، صص ۲۷۹-۲۹۶.
- ✓ حقیقی، میثم، مؤمنی‌نژاد، ناهید، (۱۳۹۵)، تحلیل و رتبه‌بندی روش‌های تأمین مالی بانک‌ها با استفاده از ابزارهای تأمین مالی بازار سرمایه؛ با رویکرد تحلیل سلسله مراتبی، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۷۷-۹۶.
- ✓ عبدی، مجید، مبینی دهکردی، مصطفی، (۱۳۹۸)، بررسی و اولویت‌بندی روش‌های تأمین مالی اسلامی جهت تأمین مالی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۹-۳۸.
- ✓ فرجی، شهرزاد، فراهانی، سمانه، (۱۳۹۰)، ابزارهای نوین تأمین مالی کاربرد اوراق قرض‌الحسنه، مرابحه، اجاره و استنصاع (سفارش ساخت) در سیستم بانکی، اداره تحقیقات و کنترل ریسک بانک سپه.
- ✓ قلیچ، وهاب، طاهری، ماندانا، (۱۴۰۰)، طراحی الگوی نوین تأمین مالی خرد اسلامی در نظام بانکی ایران (مبتنی بر عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مرابحه)، تحقیقات مالی اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۵۳۹-۵۷۲.
- ✓ کهریزی، امیدعلی، عباس‌زاده، زهرا، قدسی، امیرحسین، (۱۴۰۲)، مطالعه مروری: اهمیت تأمین مالی بانکی و ابزارهای نوین آن در ایران، در چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری در مدیریت کسب‌وکار و اقتصاد، تهران.
- ✓ نگاهبانی، آرش، پایتختی اسکوتی، سیدعلی، مهرگان، نادر، ناهیدی امیرخیز، محمدرضا، (۱۴۰۱)، تأمین مالی اسلامی و تخصیص منابع بانکداری در ایران، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۷-۲۲.
- ✓ Ahmad, Z. (2019). Islamic Bank in Australia: Soon a reality (Published 30 May 2019). Retrieved August 10, 2020, from <https://www.amust.com.au/2019/05/islamic-bank-in-australia-soon-a-reality/>
- ✓ Al Madani, H., Alotaibi, K. O., & Alhammadi, S. (2020). The role of Sukuk in achieving sustainable development: Evidence from the Islamic Development Bank. *Banks and Bank Systems*, 15(4), 36–48. [https://doi.org/10.21511/bbs.15\(4\).2020.04](https://doi.org/10.21511/bbs.15(4).2020.04)
- ✓ Alam, M. K., Ahmad, A. U. F., & Muneeza, A. (2022). External Shari'ah audit and review committee Vis-a-Vis Shari'ah compliance quality and accountability: A case of Islamic banks in Bangladesh. *Journal of Public Affairs*, 22(1), 1–10. <https://doi.org/10.1002/pa.2364>
- ✓ Aldarabseh, W. M. (2019). How popular is Islamic finance in the USA? Findings from Google Trends. *International Journal of Finance & Banking Studies* (2147-4486), 8(3), 58-65.
- ✓ Ali, M. A. (2023). An assessment of Islamic Banking in Asia, Europe, USA, and Australia. *European Journal of Islamic Finance*, 10(1), 1–15. <https://doi.org/10.13135/2421-2172/7345>
- ✓ Altawati, N., & Fhema, A. (2019). The development flow of Islamic finance have challenges. *International Journal of Sciences: Basic and Applied Research (IJSBAR)*, 44(1), 51–62. Retrieved from <https://www.gssrr.org/index.php/JournalOfBasicAndApplied/article/view/9787>
- ✓ Alwi, S. F. S., Jaafar, M. N., Osman, I., & Afif, A. (2019). The Development of Islamic Trade Finance in Malaysia: From the Bankers' Perspectives. In *Contemporary Management and Science Issues in the Halal Industry* (pp. 461-467). Springer, Singapore

- ✓ Aqib Ali, M. (2023). An assessment of Islamic Banking in Asia, Europe, USA, and Australia. *European Journal of Islamic Finance*, 10(1), 1–15. <https://doi.org/10.13135/2421-2172/7345>
- ✓ Aqib Ali, Muhammad (2022). Growth and Development of Islamic Banking: A Global Review. *Review of Applied Management and Social Sciences*, 5(2), 263-289. <https://doi.org/10.47067/ramss.v5i2.235>
- ✓ Asni, F. (2019). History of the Establishment and Development of Islamic Banking in Malaysia. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 9(6), 305–315.
- ✓ Avdukic, A., & Asutay, M. (2025). Testing the development impact of Islamic banking: Islamic moral economy approach to development. *Economic Systems*, Article 101229. Advance online publication. <https://doi.org/10.1016/j.ecosys.2024.101229>
- ✓ Aysan, A. F., & Unal, I. M. (2024). The institutionalization of Islamic finance: Historical context, current developments, and future directions. Post-Print hal-04669980, HAL.
- ✓ Bandur, A. (2019). Penelitian Kualitatif: Studi Multi-Disiplin Keilmuan dengan NVivo 12 Plus. Mitra Wacana Media.
- ✓ Bhatti, H. (2022). Federal Shariat Court declares interest-based banking system against Sharia. Dawn. Published: April 28, 2022.
- ✓ Calder, R. (2020). Sharī'ah-compliant or Sharī'ah-based? The changing ethical discourse of Islamic finance. *Arab Law Quarterly*, 35(1–2), 50–73. <https://doi.org/10.1163/15730255-BJA10008>
- ✓ Faizi, F. (2024). How are Islamic banking products developed? Evidence from emerging country. *Cogent Economics & Finance*, 12(1). <https://doi.org/10.1080/23322039.2024.2378961>
- ✓ Faizi, M., & Shuib, S. B. (2021). Shariah product research and trends: A bibliometric analysis from 1997 to 2021. *IOSR Journal of Business and Management*, 23(10), 55–74. <https://doi.org/10.9790/487X-2310055574>
- ✓ Hajjar M. (2019) Status of Islamic Finance in Germany in 2019. In: Hajjar M. (eds) *Islamic Finance in Europe: A Cross Analysis of 10 European Countries*. Palgrave Studies in Islamic Banking, Finance, and Economics. Palgrave Macmillan, Cham.
- ✓ Ilmi, Z. (2023). The application of Fiqh principles in contemporary Sharia transactions in the development of innovative products of Islamic Financial Institutions in Indonesia. *OECONOMICUS Journal of Economics*, 7(2), 142–156. <https://doi.org/10.15642/oje.2023.7.2.142-156>
- ✓ Jan, A. A., Lai, F.-W., & Tahir, M. (2021). Developing an Islamic Corporate Governance framework to examine sustainability performance in Islamic Banks and Financial Institutions. *Journal of Cleaner Production*, 315, 128099. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2021.128099>
- ✓ Kamalu, K., & Wan Ibrahim, W. H. B. (2021). Islamic banking development and financial inclusion in OIC member countries: The moderating role of institutions. *Journal of Islamic Monetary Economics and Finance*, 7(3), 527–544.
- ✓ Khalid, A. A. (2020). Role of audit and governance committee for internal Shariah audit effectiveness in Islamic banks. *Asian Journal of Accounting Research*, 5(1), 81–89. <https://doi.org/10.1108/AJAR-10-2019-0075>
- ✓ Khaydarov, U. A. (2023). Development of the use of Islamic financial instruments in our country. *European Journal of Innovation in Nonformal Education*, 3(5).
- ✓ Kulshrestha, P., and Ali, M. A. (2019). An Overview of the Islamic Banking Development in the United Kingdom, Malaysia, Saudi Arabia, Iran, Nigeria, Kenya and Uganda. *International Journal of Economics and Management Engineering*, 13(4), 374-388.

- ✓ Laarab J. (2019) Islamic Finance in Luxembourg in 2019. In: Hajjar M. (eds) Islamic Finance in Europe: A Cross Analysis of 10 European Countries. Palgrave Studies in Islamic Banking, Finance, and Economics. Palgrave Macmillan, Cham.
- ✓ Lane, M. (2020). The definitive guide to Sharia Banking & Islamic Finance in the UK. Retrieved August 08, 2020, from <https://www.money.co.uk/savings-accounts/the-definitive-guide-to-sharia-banking-and-islamic-finance-in-the-uk.htm>
- ✓ Mansour, W. (2020). Toward new strategies of Islamic financial products development. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 11(10), 2053–2067. <https://doi.org/10.1108/JIABR-09-2018-0135>
- ✓ Maulia, E. (2019). “Shariah banking: Indonesia's 'bold plans' for a troubled industry”, *Nikkei Asian Review*, Retrieved January 6, 2020, from <https://asia.nikkei.com/Business/Business-trends/Shariah-banking-Indonesia-s-bold-plans-for-a-troubled-industry>.
- ✓ Maulia, E. (2019). “Shariah banking: Indonesia's 'bold plans' for a troubled industry”, *Nikkei Asian Review*, Retrieved January 6, 2020, from <https://asia.nikkei.com/Business/Business-trends/Shariah-banking-Indonesia-s-bold-plans-for-a-troubled-industry>.
- ✓ Mausen, F., Dortschy, C., Palgan, E. and White, Z. (2019) Luxembourg. In: John Dewar and Munib Hussain (eds) *The Islamic Finance and Markets Law Review - 4th Edition*. ISBN: 978-1-83862-066-0. The Law Reviews, Law Business Research Ltd. United Kingdom.
- ✓ Mohd Saad, N., Haniff, M. N., & Ali, N. (2020). Corporate governance mechanisms with conventional bonds and Sukuk’ yield spreads. *Pacific-Basin Finance Journal*, 62(February 2019), 101116. <https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2019.02.001>
- ✓ Moqbel, T., & Ahmed, H. (2020). Flexibility and Shari’ah compliance of Islamic financial contracts: An evaluative framework. *Arab Law Quarterly*, 35(1–2), 92–115. <https://doi.org/10.1163/15730255-BJA10052>
- ✓ Pollard, J., & Samers, M. (2013). Governing Islamic finance: Territory, agency, and the making of cosmopolitan financial geographies. *Annals of the Association of American Geographers*, 103(3), 710–726. <https://doi.org/10.1080/00045608.2011.628256>
- ✓ Samudera, A. B., Ismail, D., Suhendi, S., & Muslim, S. (2024). The development of Islamic financial instrument: Opportunities and challenges. *LIKUID: Jurnal Ekonomi Industri Halal*, 4(2). <https://doi.org/10.15575/likuid.v4i2.35781>
- ✓ Shahid, M., Bhatti, F. A., Meeran, M., Mohtesham, J., & Mahadi, N. F. B. (2020). The value propositions and the nature of the Islamic banks products and services in providing the solution/s for the financial needs of bimb business customer segments. *Journal of Islamic Economic and Business*, 3(2), 257–281.
- ✓ Yumna, A. (2019). Examining financial needs of banking customers for product development in Islamic banking in Indonesia. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 12(5), 712–726. <https://doi.org/10.1108/IMEFM-11-2018-0378>
- ✓ Zaini, F., & Bin Shuib, M. S. (2021). Fatwa on Sharia products and its role in the development of Islamic finance industry. *Islamadina: Jurnal Pemikiran Islam*, 22(2), 189. <https://doi.org/10.30595/islamadina.v22i2.11859>
- ✓ Zaini, F., Bin Shuib, D. M. S., & bin Ahmad, D. M. (2019). The prospect of Sharia banking in Indonesia (opportunities, challenges and solutions). *International Journal of Business Management and Economic Review*, 02(04), 01–14. <https://doi.org/10.35409/IJBMER.2019.2401>

- ✓ Zulfikar. (2020). Challenges of Islamic banking in Indonesia in developing products. Journal of Management Theory and Practice (JMTP), 1(3), 35–42. <https://doi.org/10.37231/jmtp.2020.1.3.55>

